

# مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ارسال‌کننده تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه

عباس تدینی\*

سیدمصطفی کازرونی\*\*

چکیده

با آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ میلادی، دولت‌های مخالف نظام سوریه به اشکال مختلف کوشیدند تا نظام مردمی سوریه را تضعیف و در نهایت ساقط کنند. در این راستا اصلی‌ترین تلاش آنها ارسال تسلیحات، به‌ویژه تسلیحات شیمیایی به تروریست‌ها با تابعیت‌های مختلف علی‌الخصوص داعش بوده است که بالاخص از زمان وقوع حملات شیمیایی به‌وسیله تروریست‌ها در اوت ۲۰۱۳، تشدید شده است. این تلاش‌ها امروزه محکوم به شکست شده و دول تسلیح‌کننده تروریست‌ها در سوریه درصدد آن هستند تا با طرح ادعاهایی همچون مستقل‌بودن گروه‌های تروریستی در سوریه، از مسئولیت بین‌المللی شانه خالی کنند. در این مقاله، کوشیده شده است که علی‌رغم بدیهی‌بودن موضوع، از طریق اتخاذ یک روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به اصول و قواعد الزام‌آور حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل متحد به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که چه دولت‌هایی در جنگ سوریه در ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی، مسئول بین‌المللی تلقی خواهند شد؟ به چه نحوی مسئولیت بین‌المللی دول بیگانه در ارسال تسلیحات به تروریسم در سوریه به اثبات می‌رسد؟ نتیجه تحقیق حاضر بدین‌صورت است که ارسال تسلیحات توسط ایالات‌متحده آمریکا و چندین کشور اروپایی و عربی مخالف نظام سوریه به گروه‌های تروریستی در سوریه به دلیل نقض تعهدات قواعد آمره بین‌المللی همچون منع حمایت از تروریسم به‌انحای مختلف، اصل عدم‌مداخله، عدم تجاوز که نقض فاحش قواعد بین‌المللی در حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود و نیز قابلیت انتساب جنایات بین‌المللی ارتكابی گروه‌های تروریستی همچون داعش، جبهه النصره، سکورالشام که همگی از گروه‌های تابعه القاعده هستند به دول فوق‌الذکر، مسئولیت بین‌المللی دول غربی و عربی به‌ویژه ایالات‌متحده آمریکا در ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه اثبات می‌شود.

واژگان کلیدی

مسئولیت بین‌المللی، تسلیح، سوریه، تروریسم

Email: Tadayoni@shirazu.ac.ir

Email: mostafakazeroni@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۱/۳۰

فصلنامه راهبرد / سال بیست و چهارم / شماره ۷۷ / زمستان ۱۳۹۴ / صص ۱۴۸-۱۱۳

\* عضو هیئت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

\*\* دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه شیراز

تاریخ ارسال: ۹۴/۶/۲۱

## جستار گشایی

بحران سوریه از ۲۶ ژانویه ۲۰۱۱، با چند نقاشی دیواری توسط چند جوان در شهر درعا در مرز اردن و جنوب سوریه آغاز شد (شریفیان، کبیری و طحان‌منش، ۱۳۹۱: ۱۴۰). سپس در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱، شخصی به نام حسن‌علی آلکه<sup>۱</sup> در شهر الحساکه<sup>۲</sup> اقدام به خودسوزی به سبک محمدبوعزیزی<sup>۳</sup> در تونس کرد. به دنبال این خودسوزی، گروه‌های به‌ظاهر حقوق بشری سوریه که در واقع از خارج دستور می‌گرفتند، در فیس‌بوک و توئیتر خویش، جمعه ۴ فوریه ۲۰۱۱ میلادی را به‌عنوان روز خشم<sup>۴</sup> اعلام کرده و از مردم تقاضا کردند تا به بهانه این خودسوزی بر ضد دولت بشار/اسد به خیابان‌ها بریزند.<sup>(۱)</sup> با این حال، نخستین تظاهرات رسمی و گسترده بر ضد حکومت سوریه در روز ۱۵ مارس همان سال -که دوباره روز خشم نامیده شده بود- در شهرهای حساکه، دیرالزور، حما و درعا رخ داد که چند هزار نفر در آن شرکت داشتند (کیانی، ۱۳۹۱: ۲۶). بدین‌صورت که ابتدا عده‌ای از جوانان سوری در شهر درعا با شعار سرنگونی حکومت به خیابان‌ها ریخته و پس از دستگیری آنها توسط حکومت محلی، انتشار اخبار شکنجه و کشتار آنها به‌صورت خلاف واقع در صدر اخبار رسانه‌های بین‌المللی مانند الجزیره، بی‌بی‌سی عربی، آسوشیتدپرس و شبکه‌های اجتماعی چون فیس‌بوک و توئیتر قرار گرفت.<sup>(۲)</sup> استفاده از وبگاه‌های گوناگون از جمله فیس‌بوک، توئیتر و همچنین ارائه گزارش‌های مستمر و لحظه‌به‌لحظه توسط شبکه‌های ماهواره‌ای پربیننده عربی مانند العربیه، الجزیره و تا حدودی بی‌بی‌سی فارسی، نقش بسیار مهم و اساسی در اطلاع‌رسانی، ترغیب و هدایت اذهان عمومی کشورهای منطقه، به‌ویژه جوانان داشته است (یزدان‌پناه درو و نامداری، ۱۳۹۲: ۱۰۶). با آغاز عملیات نظامی دولت سوریه بر ضد تروریست‌ها (۱۰ ژوئن ۲۰۱۱) در شهرهای مرآت/النومان و جسرالشغور در نزدیک مرز خود با ترکیه که طی آن ۲۳ تروریست القاعده به هلاکت رسیدند، بحران وارد مرحله جدیدی شد.<sup>(۳)</sup> با وجود تحقق وعده‌های بشار اسد در رسیدگی مطالبات مردم، به علت نفوذ عناصر حزب منحل اخوان‌المسلمین در صفوف مردم، دامنه اعتراضات گسترده شد و به شهرهای دیگر همچون حمص، جسرالشغور و حما نیز کشیده شد (شریفیان، کبیری و طحان‌منش، ۱۳۹۱: ۱۴۰)؛ بنابراین موج نخست بحران سوریه، بیشتر از طریق حمایت‌های مالی - رسانه‌ای دولت‌های بیگانه صورت گرفت. موج دوم بحران سوریه با تشدید اوضاع به فعالیت‌های سازمان‌های حقوق بشری عرب و غربی مانند سازمان عفو بین‌الملل و

1. Hasan Ali Akleh

2. Al-Hasakah

3. Mohamed Bouazizi

4. Day of Rage

دیده‌بان حقوق بشر برمی‌گردد. البته فعالیت این سازمان‌ها محدود به آغاز زمان درگیری‌ها از سال ۲۰۱۱ میلادی نبود، بلکه پیش از آن نیز وضعیت حقوق بشر در سوریه را به دلیل منبع قرارگرفتن اسلام در قوانین سوریه<sup>(۴)</sup> و نیز وضع قوانین کیفری ضد همجنس‌گرایی<sup>(۵)</sup>، اسفبار می‌دانستند. سازمان دیده‌بان حقوق بشر در سال ۲۰۱۱ اعلام کرد که وضعیت حقوق بشر در سوریه در سال ۲۰۱۰ از همه کشورها بدتر بوده است. این سازمان با اشاره به کشتار گسترده غیرنظامیان از جمله در درعا، حمص، جسرالشغور، حلب و همچنین پناهنده‌شدن گسترده مردم سوریه در اردوگاه‌های مخصوص پناهندگان در مرز ترکیه با سوریه، خواستار محکومیت دولت سوریه شد. این در حالی بود که عمده مردم غیرنظامی توسط تروریست‌ها کشته‌شده بودند.<sup>(۶)</sup> سازمان عفو بین‌الملل با انتشار گزارشی در سال ۲۰۱۲، به دسترسی به شواهد کافی برای متهم کردن دولت سوریه به ارتکاب جنایات علیه بشریت به دلیل مرگ اتباع سوریه در اثر شکنجه و بازداشت اشاره داشت. در مقابل این انتقادات، دولت سوریه با عفو عمومی، وعده اصلاحات گسترده در قانون اساسی، لغو وضعیت اضطراری (آوریل ۲۰۱۱)، مشارکت بیشتر مردم در صحنه سیاسی و اقتصادی سوریه، به‌انحای مختلف سعی کرد مشارکت عمومی مردم سوریه را با خود همراه کند (Ungo, 2013: 10-12). این اصلاحات گسترده منجر بدین شد که مردم سوریه در اعمال حق تعیین سرنوشت خود، با رأی مثبت به بشار اسد بار دیگر وی را به‌عنوان رئیس‌جمهوری قانونی خود انتخاب کنند که البته با نادیده‌گرفتن این امر و حمایت‌های حقوق بشری، رسانه‌ای و مالی از گروه‌های تروریستی از جمله داعش، احترام به اصل تعیین سرنوشت مردم سوریه نادیده انگاشته شد. با ناکارآمدی مراحل قبلی، دول حامی تروریسم در سوریه به جنایتکارترین حربه خود، یعنی ارسال تسلیحات به گروه‌های داعش، جبهه النصره به‌منظور انجام حملات شیمیایی و فروپاشی نظام مردمی سوریه دست زدند. موج سوم بحران سوریه از ۲۱ آگوست ۲۰۱۳ و به دنبال حملات شیمیایی در منطقه غوطه شرقی در نزدیکی دمشق کلید خورد. از همان ساعات اولیه وقوع حملات شیمیایی، دول غربی و عربی با انتساب این حملات به دولت سوریه و ادعای کشته‌شدن شمار زیادی از مردم غیرنظامی سوریه، خواستار دخالت جامعه بین‌المللی و به‌خصوص شورای امنیت سازمان ملل متحد شدند. موج آخر، بهانه‌های لازم را برای دول غربی-عربی برای مشروع جلوه‌دادن کمک‌های خود به‌ویژه کمک‌های تسلیحاتی به گروه‌های تروریست فراهم کرد.

علاوه بر ارسال تسلیحات، ایجاد پایگاه‌هایی در منطقه، به‌ویژه در ترکیه و اردن به‌عنوان دو کشور همسایه سوریه برای آموزش نظامی و پناه‌دادن به تروریست‌ها، بر ابعاد جنایات بین‌المللی دول حامی تروریسم از طریق ارسال کمک‌های تسلیحاتی به تروریست‌های سلفی، می‌افزاید.

این مسئله از آن جهت واجد اهمیت است که تا پیش از وقوع تحولات اخیر در سوریه، عمده‌ترین شکاف و اختلاف‌نظر میان ملت‌ها و رژیم‌های منطقه، حول نزدیکی یا دوری رژیم‌های عرب به سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه و ورود به روند سازش با رژیم صهیونیستی یا مقابله با آن دور می‌زد (موسوی، ۱۳۸۹: ۳). با آغاز ناآرامی‌ها در سال ۲۰۱۱ و تشدید بحران و تبدیل آن به مخاصمه مسلحانه داخلی، دولت‌های غربی به‌ویژه آمریکا، انگلیس و فرانسه در کنار متحدان عرب خود و دولت ترکیه، اقدامات زیادی در جهت حمایت و پشتیبانی از گروه‌های مسلح مخالف حکومت سوریه انجام داده‌اند. این اقدامات از پشتیبانی مالی، لجستیکی، اطلاعاتی و تسلیحاتی تا آموزش نیروهای مسلح مخالف و حمایت مالی از آنها را در برمی‌گیرد (توکلی طبسی، منصوری، رضایی و حبیب‌زاده، ۱۳۹۲: ۸۹) در مقابل، سیاست دولت‌های حامی نظام مردمی سوریه یعنی جمهوری اسلامی ایران و روسیه، مبتنی بر حمایت از دولت و ملت سوریه در جهت اجرای اصلاحات و مخالفت با هرگونه مداخله خارجی است<sup>(۷)</sup> (پیشوایی، ۱۳۹۱: ۷). تحلیلگران معتقدند که هدف سلطه‌گران بین‌المللی از فشار به سوریه، تضعیف جبهه مقاومت در منطقه است و در واقع سوریه بهای مقاومت خود را می‌پردازد و اگر سلطه‌گران بتوانند دولت سوریه را ساقط کنند، نوبت حماس و سپس نوبت حزب‌الله لبنان و آنگاه نوبت ایران می‌رسد (پیشوایی، ۱۳۹۱: ۶). این امر، به‌ویژه با این واقعیت روشن می‌شود که سوریه متغیر مستقلی در عرصه تحولات اخیر منطقه‌ای نبوده، بلکه در حقیقت، انقلاب اسلامی ایران متغیر مستقلی است که سایر تحولات از جمله بحران سوریه از آن تأثیر می‌پذیرند و تلاش غرب، گسستن جبهه منطقه‌ای مقاومت بوده است<sup>(۸)</sup> (پورحسن، ۱۳۹۱: ۲۲). بر مبنای بند ۱۸۲ گزارش ۱۵ فوریه سال ۲۰۱۱ هیئت کارشناسان سازمان ملل متحد راجع به تحریم‌های لیبی که در بخشی به انتقال غیرقانونی تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه می‌پردازد- انتقال تسلیحات به‌وسیله گروه‌های غیردولتی و دولتی به سوریه از سه راه مرزهای هوایی ترکیه، مرز دریایی لبنان و از طریق کشور قطر صورت گرفته است. با توجه به گزارش کمیسیون مستقل بین‌المللی تحقیق راجع به جمهوری عربی سوریه شورای حقوق بشر ملل متحد، (گروه‌های مخالف دولت سوریه، مرتکب جنایات جنگی از جمله کشتار، اعدام فراقانونی، شکنجه، گروگان‌گیری و حمله به مناطق حفاظت‌شده [در مخاصمات]<sup>(۹)</sup> در سوریه شده و کاربرد تسلیحات بیگانه در ارتکاب این جنایات، نقش بی‌بدیلی ایفا نموده است)؛ مسئولیت بین‌المللی مضاعف دولت‌های حامی تروریست‌ها در سوریه اثبات می‌شود. هم‌اکنون دول بیگانه حامی ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه برای بری ساختن خود از مسئولیت بین‌المللی در این راستا، سعی بر آن دارند تا القا نمایند که گروه‌های تروریستی، به‌ویژه داعش

در عراق و سوریه به خودکفایی مالی و تسلیحاتی رسیده‌اند از جمله در مورد داعش که مدعی‌اند درآمد خود را از فروش نفت از مناطق زیر کنترل خود و فروش اشیای قدیمی غارت‌شده از اماکن تاریخی سوریه و عراق به دست می‌آورد (Sekulow, 2014: 24). تسلیحات و تجهیزات نظامی موجود در دستان گروه‌های تروریستی از نوع تسلیحات گران‌قیمت بوده که شائبه تهیه آنها را از بازارهای سیاه قاچاق تسلیحات و همچنین وجود جنگ داخلی در سوریه را رد می‌کند، چراکه بر مبنای یک ایده مسلط نظامی، تنها سلاح‌های ارزان صرف‌نظر از سایر عوامل منجر به جنگ داخلی می‌شوند (Florquin, 2014: 324). در همین راستا، سازمان‌های بین‌المللی حقوق بشری از جمله سازمان عفو بین‌الملل از جامعه جهانی خواسته‌اند که برای جلوگیری از انتقال سلاح به داعش و دیگر گروه‌های مسلح در سوریه به کمک این نهادهای بین‌المللی بشتابند تا از بروز هر چه بیشتر فاجعه انسانی جلوگیری کنند.<sup>(۱۰)</sup> در پایان باید گفت که حمایت تسلیحاتی دول غربی و عربی از تروریسم بین‌المللی، مسئولیت بین‌المللی مستقیم آنها را در پی خواهد داشت؛ چرا که (مسئولیت مستقیم در روابط بین‌المللی، هنگامی مصداق دارد که عمل خلاف قانون که موجب خسارت شده است از طرف یکی از سازمان‌های قضاییه، اجراییه یا مقننه یک دولت صورت گرفته باشد؛ زیرا شکی نیست که دولت، فی حد ذاته شخصیت فعالی نیست، بلکه سازمان‌های اداری و مأموران آن به نام او اجرای قانون و اعمال حاکمیت می‌کنند (فیوضی، ۱۳۵۷: ۲۳).

## ۱. عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه

برای شناخت مسئولیت بین‌المللی دول تسلیح‌کننده تروریست‌ها در سوریه، نخستین گام شناخت عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه است. این که مشخصه‌های عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه چه هست یا اینکه گروه‌های عمده تروریستی موجود در سوریه، کدام گروه‌ها می‌باشند از موضوعات اساسی هستند که در زمینه شناخت عملکرد بین‌المللی تروریسم به مخاطب کمک شایانی می‌کند. از این‌رو، در این بخش در قالب دو قسمت مشخصه‌های عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه و همچنین گروه‌های عمده موجود تروریستی در سوریه به تبیین موضوع خواهیم پرداخت.

### ۱-۱. مشخصه‌های عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه

بدون شک، عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه واجد مشخصات متعدد و متنوعی است که پرداختن بدان‌ها در قالب یک مقاله مختصر نمی‌تواند صورت بپذیرد. از سوی دیگر، عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه مشتمل بر ویژگی‌ها و مشخصات خاصی است که در نقاط

کمتری که گروه‌های تروریستی تاکنون در آن فعالیت داشته‌اند، مشاهده شده است. از این رو، در این بخش به دو مشخصه متمایز عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه، یعنی حضور بی‌شمار اتباع بیگانه و تسلط بر شهرها و روستاهای دورافتاده و مرزی با کنترل ضعیف پرداخته می‌شود.

#### ۱-۱-۱. حضور بی‌شمار اتباع بیگانه

حضور اتباع بیگانه در گروه‌های تروریستی سلفی در سوریه یکی دیگر از مشخصه‌های بارز عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه محسوب می‌گردد. البته پیش از این نیز، بیگانگان در جنگ‌های بالکان، افغانستان و عراق حضور داشته‌اند، اما آنچه موجب نگرانی عمده و متمایزی نسبت به حضور خارجی‌ان در سوریه است، مشارکت بالای آنها در جریان مخاصمات سوریه به‌گونه‌ای که برخلاف حضور کم‌رنگ ۱ تا ۱۵ درصد آنها در مخاصمات پیشین، این مشارکت در سوریه بر مبنای برخی تخمین‌ها به حدود ۵۰ درصد به بالا می‌رسد.<sup>(۱۱)</sup> در دو نامه که بشار جعفری، نماینده دولت سوریه در سازمان ملل متحد به ترتیب در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۲ و ۲۱ نوامبر ۲۰۱۲ به رئیس شورای امنیت و دبیرکل سازمان ملل متحد فرستاده است، بر حضور وسیع اتباع خارجی تأکید شده است. کما اینکه در نامه نخست در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۲، وی خاطرنشان ساخت که این نامه حاوی فهرست ۱۰۸ نفر از اتباع خارجی است که تاکنون به‌عنوان تروریست در سوریه دستگیر شده‌اند. در این نامه، اشاره شده بود که این اتباع، عضو گروه القاعده و از اتباع کشورهای لبنان، اردن، تونس، لیبی، مصر و استرالیا می‌باشند. در نامه دوم در ۲۱ نوامبر ۲۰۱۲، بشار جعفری به فهرست ۱۴۳ نفر از اتباع خارجی تروریست که در جنگ سوریه به هلاکت رسیده بودند، اشاره داشت. نامه مزبور که شامل اطلاعاتی همانند نام، سن، تاریخ و محل تولد و تابعیت بسیاری از تروریست‌ها است مشخص می‌نماید که آنها تابعیت خارجی داشته و به‌صورت غیرقانونی وارد خاک سوریه شده‌اند و از اتباع کشورهایی چون عربستان سعودی، قطر، لیبی، پاکستان، منطقه چچن در روسیه، اردن، ترکیه و... می‌باشند. اگرچه، بشار اسد این نامه‌ها را سپس به‌تمامی کمیته‌های مسئول مقابله با تروریسم سازمان ملل متحد فرستاد، اما هیچ واکنشی را در پی نداشت (Noonan, 2010: 25-27). اتباع خارجی در این گروه‌های تروریستی، عمدتاً از اتباع کشورهای عربی، کشورهای اروپایی و منطقه چچن روسیه می‌باشند. از میان تروریست‌های بیگانه تبعه کشورهای اروپای غربی، کشورهای بلژیک، انگلستان، فرانسه، هلند و آلمان و باقی آن از ناحیه منطقه چچن روسیه بیشترین مشارکت را در گروه‌های تروریستی در سوریه داشته و عمدتاً جز سه گروه تروریستی النصره، جیش‌المهاجرین و الانصار و نیز سکورالشام می‌باشند (Jenkins, 2013: 2-5).

### ۱-۲. تسلط بر شهرها و روستاهای دورافتاده و مرزی با کنترل ضعیف

بررسی مناطق تحت تسلط گروه‌های تروریستی در سوریه نشانگر آن بوده که آنها به‌منظور تضعیف نظام سوریه به‌ویژه در افکار عمومی بین‌المللی عمدتاً بر شهرها و روستاهایی تسلط پیدا کرده‌اند که کاملاً مرزی و دورافتاده بوده و دولت سوریه کنترل مؤثری بر این شهرها نداشته است.<sup>(۱۲)</sup> با نگاهی به مناطق تحت تسلط گروه‌های تروریستی این ادعا ثابت می‌شود؛ برای نمونه گروه تروریستی داعش با حمایت مستقیم ترکیه چهار شهر مرزی سوریه با ترکیه یعنی عطمه، الباب، عزاز و جرابلس یا مناطق ساحلی کناره دریای مدیترانه همچون طرطوس و باتیاس را در اختیار دارد. این امر حمایت دولت‌های خارجی، به‌ویژه دول همسایه سوریه، یعنی ترکیه و اردن و نقش آنها را در حمایت از گروه‌های تروریستی در سوریه آشکارتر می‌سازد که در بخش سوم مقاله در مورد مسئولیت بین‌المللی دول ارسال‌کننده تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه بیشتر بدان پرداخته خواهد شد. تخصص لازم در جنگیدن به‌عنوان آخرین ویژگی عملکرد بین‌المللی تروریسم در سوریه یاد می‌شود؛ بدین معنا که اگرچه اکثر تروریست‌ها، به‌ویژه تروریست‌هایی که در میادین نبرد پیشین چون افغانستان و عراق به نبرد می‌پرداختند به سبب عدم آموزش‌های نظامی منسجم، قابلیت به‌کارگیری سلاح‌های پیشرفته را نداشتند، در سوریه دیده می‌شود که تروریست‌ها از سلاح‌های پیشرفته، نظیر تانک نیز استفاده می‌کنند که این نشان از آموزش آنها توسط نیروهای سازمان‌یافته خارجی دارد.

### ۲-۲. گروه‌های عمده تروریستی عامل در سوریه

گروه‌های تروریستی بسیاری در سوریه از آغاز بحران در ۲۸ ژانویه ۲۰۱۱ تا به امروز در حال فعالیت بوده‌اند که نام‌بردن از تمامی آنها در قالب یک مقاله امکان‌پذیر نیست، اما به‌صورت عمده می‌توان گروه‌های تروریستی مزبور را در قالب دو گروه عمده جبهه النصره<sup>۵</sup> و داعش تقسیم‌بندی کرد.

#### ۲-۲-۱. جبهه النصره

برمبنای گزارش مجله آلمانی *دای ولت*<sup>۶</sup> به نقل از منابع اطلاعاتی غربی، رهبر القاعده *ایمن الظواہری* در سال ۲۰۱۱، سه هماهنگ‌کننده به رهبری *الفاتح ابومحمد الجولانی* را برای آموزش اعضای گروه‌های تروریستی به‌منظور نبرد در سوریه فرستاد. پس از آغاز بحران در سوریه، الجولانی با تأسیس گروه تروریستی جبهه النصره، نام خود را نیز به *امیر جبهه النصره* تغییر داد (Rabasa and Benard, 2014: 132). گروه مزبور که هدفش را احیای مرزهای امت

5. Al-Nosra Front

6. Die Welt

اسلامی می‌داند (Masters, 2014: 10). پس از اعلام موجودیتش در ژانویه ۲۰۱۲ با استفاده از حملات انتحاری، ماشین‌های بمب‌گذاری شده و بمب‌های کنار جاده‌ای، شمار زیادی از غیرنظامیان، خبرنگاران و اعضای ارتش سوریه به خصوص در شهرهای *ادلب*، *حلب* و *دیرالزور* را کشته‌اند، به گونه‌ای که از بین ۷۵ بمب‌گذاری انتحاری در سوریه از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱ که منجر به کشته‌شدن بسیاری از افراد غیرنظامی شده است، بیش از ۵۱ فقره از آنها توسط گروه تروریستی جبهه النصره صورت پذیرفته است (Wikipedia.com/syria, 2014: 2). وجود مناطق تحت اشغال این گروه در نزدیکی منطقه اشغالی بلندی‌های جولان و نیز اینکه رهبران اصلی آن از جمله الفاتح/بومحمد/الجولانی از این مناطق به هدایت گروه جبهه النصره می‌پردازند، همچنین عدم واکنش رژیم صهیونیستی به این اعمال خصمانه، نشان‌دهنده حمایت رژیم صهیونیستی از این گروه می‌باشد.<sup>(۱۳)</sup> این گروه در ۲۳ دسامبر ۲۰۱۲، منطقه پرواز ممنوع بر فراز شهر حلب را ایجاد نموده و اعلام کرد که هر نوع هواپیمایی اعم از تجاری و جنگی را با سلاح‌های ضد هوایی ۲۳ و ۲۷ میلی‌متری هدف قرار می‌دهد.<sup>(۱۴)</sup> از جمله می‌توان از حمله ۱۰ می ۲۰۱۳ این گروه به ساختمان اطلاعات ارتش سوریه در بخش *الغزاز* در جنوب دمشق اشاره داشت که طی آن شمار زیادی از افسران ارتش سوریه و نیز غیرنظامیان به شهادت رسیدند. همچنین می‌توان به اعدام خودسرانه ۱۳ نفر از غیرنظامیان در ۲۹ می ۲۰۱۲ توسط این گروه اشاره کرد.<sup>(۱۵)</sup> جنایات گروه تروریستی جبهه النصره در اسناد بین‌المللی نیز جلوه‌گر شده است. کما اینکه گزارش دیده‌بان حقوق بشر حاکی از کشتار ۱۹۰ نفر غیرنظامی توسط جبهه‌النصره در ۴ آگوست در منطقه رازقیه می‌باشد. در زمان نگارش این گزارش براساس منابع اطلاعاتی تروریست‌ها، ۲۰۰ نفر از غیرنظامیان که عمده آنها زن و کودک بودند به وسیله دو گروه داعش و جیش‌المهاجرین و الانصار، به گروگان گرفته شده‌اند. این گزارش حاکی است که تروریست‌ها عمدتاً از طریق پایگاه هوایی استان *هاتای* در ترکیه به این منطقه آورده شده‌اند و از دولت ترکیه می‌خواهد نظارت‌های خود را بر مناطق مرزی افزایش دهد تا عبور و مرور تروریست‌ها با محدودیت بیشتری روبه‌رو شود. ارتکاب چندین عملیات مشترک جنایت‌آمیز تروریستی در سوریه از جمله اشغال پایگاه هوایی تفت *ناز* در استان *ادلب* در اواخر آگوست ۲۰۱۲ توسط گروه‌هایی از احرارالشام، جبهه النصره و دیگر گروه‌های مستقل تروریستی که دارای منافع و اهداف متفاوت از عملیات تروریستی در سوریه هستند، بدون شک هماهنگی و مدیریت این گروه‌های تروریستی توسط دولت‌های خارجی را قطعی می‌سازد.

## ۲-۲-۲. دولت اسلامی عراق و شام (داعش)

دومین گروه عمده تروریستی در سوریه، گروه دولت اسلامی عراق و شام (داعش) است که به دنبال حملات آمریکا در عراق در سال ۲۰۰۳، توسط یک تبعه اردنی به نام *ابومصعب الزرقاوی* تحت نام *جماعت التوحید و الجهاد* شکل گرفت. این گروه در سال ۲۰۰۴، به عضویت القاعده درآمد و نماینده القاعده در عراق محسوب می‌شد که رهبر خود را *اسامه بن لادن* می‌دانست. در بهار ۲۰۰۶، *الضرغاوی* که خود را هم‌اینک امیر می‌خواند، شروع به اجرای قوانین شرعی سلفی در مناطق سنی عراق از جمله اعدام‌های فراقانونی افراد کرد. این گروه پس از مرگ *ابومصعب الزرقاوی* در سال ۲۰۰۶ در اثر حمله هوایی ایالات متحده، با اتحاد با چند گروه تروریستی دیگر از جمله *شورای مجاهدین و جندالصحابه* نام خود را به *دولت اسلامی عراق* تغییر داد (Sackelmore, 2014: 28). در سال ۲۰۱۰، *ابوبکر البغدادی* پس از مرگ برادر خود، *ابوعمر البغدادی*، فرماندهی گروه تروریستی دولت اسلامی عراق را برعهده گرفت. از این پس، جریان ورود اعضای ارتش سابق بعثی صدام حسین به این گروه شدت گرفت. پس از چندی، *البغدادی* نام گروه تروریستی مزبور را به دولت اسلامی عراق و شام یا به اختصار *داعش* تغییر داد. پس از اینکه *البغدادی*، شهر موصل عراق را تصرف کرد، لقب خود را به خلیفه اسلامی تغییر داده و محدوده خلافت خود را از دریای مدیترانه تا خلیج فارس اعلام کرد.

عمده شهرهای تحت تصرف این گروه در شمال سوریه در محدوده مرز ترکیه و عراق است، به ویژه استان *الرقه* که داعش آن را پایتخت خود دانسته (Belcher, 2014: 26) و گذرگاه مرزی میان ترکیه و سوریه نیز از آنجا می‌گذرد. داعش با تسلط بر این مناطق مانع از اعطای کمک‌های بشردوستانه بین‌المللی، به ویژه کمک‌های دارویی به مردم شده است (Amnesty International, 2013: 2-5). وجود مناطق تحت تسلط این گروه تروریستی در نزدیکی ترکیه و عدم واکنش دولت ترکیه به رفت‌وآمدهای عناصر این گروه در قالب پناهندگان به داخل ترکیه (در حالی که ترکیه با استفاده از موشک‌های *پاتریوت ناتو* که در مرز ترکیه و سوریه مستقر است، به راحتی می‌تواند تروریست‌های داعش را هدف قرار دهد) نشان از حمایت دولت ترکیه از این گروه دارد.<sup>(۱۶)</sup> اقدامات این گروه‌های تروریستی، نه تنها ناقض قواعد بین‌المللی بشردوستانه است، بلکه مراعات موازین حقوق بشری از جمله آزادی عقیده و مذهب که در دوران حکومت *بشار اسد* در سرتاسر سوریه جاری و ساری بوده است را با چالش مواجه می‌سازد. از جمله این اقدامات می‌توان به عدم اجازه تحصیل دانش‌آموزان، شکنجه و کشتار افراد در زندان‌های مخفی و آتش‌زدن انجیل توسط گروه داعش در شهر *الرقه* خبر داد (Amnesty International, 2013: 3)

### ۳. ادله دولت‌های تسلیح‌کننده تروریست‌ها در سوریه

دولت تسلیح‌کننده گروه‌های تروریستی در سوریه، سه دلیل عمده را به منظور کمک‌های تسلیحاتی خویش به این گروه‌ها تاکنون مطرح کرده‌اند: ۱. کمک به اجرای حق تعیین سرنوشت توسط خلق سوریه؛ ۲. کمک به جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط دولت سوریه؛ ۳. مقابله با سایر گروه‌های تروریستی در سوریه در چارچوب ائتلاف ضد داعش. در این بین، اصلی‌ترین دلیلی که در ابتدا از سوی دولت تسلیح‌کننده گروه‌های تروریستی در سوریه مورد استناد واقع می‌شد، دولت تسلیح‌کننده کمک به اجرای حق تعیین سرنوشت خلق سوریه بوده است. با این حال، با توجه به تحولات وسیع پیش‌آمده در سوریه، امروزه مقابله با سایر گروه‌های تروریستی در سوریه در چارچوب ائتلاف ضد داعش است که اصلی‌ترین دلیل حمایت‌های تسلیحاتی دولت بیگانه از تروریسم در سوریه را تشکیل می‌دهد. در ادامه، دلایل دولت‌های تسلیح‌کننده تروریست‌ها در قالب سه محور کمک به اجرای حق تعیین سرنوشت توسط مردم سوریه، کمک به جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط دولت سوریه و مقابله با سایر گروه‌های تروریستی در سوریه در چارچوب ائتلاف ضد داعش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

#### ۳-۱. کمک به اجرای حق تعیین سرنوشت توسط خلق سوریه

در مورد استناد دول حامی تروریسم در ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی بر مبنای اصل تعیین سرنوشت، ابتدا باید به جایگاه حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل اشاره کرد. حق تعیین سرنوشت به‌عنوان یک قاعده عرفی بین‌المللی و همچنین یک اصل حقوق بین‌الملل عام در شماری از معاهدات بین‌المللی مقرر شده است. برای نمونه، حق تعیین سرنوشت در منشور ملل متحد و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به‌عنوان حق «همه مردم» به رسمیت شناخته شده است. اهمیت حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل نوین به قدری است که برخی اعتبار قواعد آمره بین‌المللی را آن‌گونه که در ماده ۵۳ کنوانسیون بین‌المللی حقوق معاهدات ۱۹۶۹ مقرر شده است، بدان داده‌اند. برای نمونه تفسیر کمیسیون حقوق بین‌الملل بر ماده ۳۷ پیش‌نویس مواد کنوانسیون بین‌المللی حقوق معاهدات در سال ۱۹۶۳ میلادی تأیید می‌کند که حق تعیین سرنوشت یک قاعده آمره بین‌المللی است (Cassese, 1979: 167). با این حال، از آنجا که کمیسیون از ارائه مثال از قاعده آمره بین‌المللی در متن کنوانسیون بین‌المللی حقوق معاهدات امتناع ورزید، اعطای چنین وضعیتی به حق تعیین سرنوشت تنها به همین تفسیر محدود ماند. پس از تصویب پیش‌نویس نهایی در کمیسیون حقوق بین‌الملل و ارسال آن برای کمیته ششم مجمع عمومی ملل متحد، در کمیته مزبور نیز نمایندگان برخی دولت‌ها همچون اوکراین، چکسلواکی، پرو و پاکستان حمایت خویش را از تلقی حق تعیین

سرنوشت به‌عنوان یک قاعده آمره بین‌المللی اعلام داشتند (Cassese, 1979: 167). اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل در ارتباط با روابط دوستانه و همکاری در میان دولت‌ها<sup>۷</sup> اصل مزبور را به‌صراحت مورد پیش‌بینی قرار می‌دهد. هم‌چنین حق تعیین سرنوشت در بند ۲ ماده ۱ منشور ملل متحد به‌عنوان یکی از اهداف سازمان ملل متحد، یعنی «توسعه روابط دوستانه میان ملت‌ها مبتنی بر احترام به اصل حقوق برابر و حق تعیین سرنوشت مردم و اتخاذ سایر شیوه‌های متناسب برای تقویت صلح جهانی» ذکر شد. در قضیه تیمور شرقی بین پرتغال و اتریش، حق تعیین سرنوشت از سوی دیوان بین‌المللی دادگستری به‌عنوان «یکی از اصول اساسی حقوق بین‌الملل معاصر» تلقی شد (Case Concerning East Timor [Portugal v Australia] Merits, 1995: para 29) حق تعیین سرنوشت در ماده یک مشترک میثاقین بین‌المللی حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مندرج است. به‌گونه‌ای که بر مبنای آن: «۱. کلیه ملل دارای حق خودمختاری هستند. به‌موجب حق مزبور، ملل وضع سیاسی خود را آزادانه تعیین و توسعه اقتصادی- اجتماعی و فرهنگی خود را آزادانه تأمین می‌کنند؛ ۲. کلیه ملل می‌توانند برای نیل به هدف‌های خود در منابع و ثروت‌های طبیعی، بدون اختلال با الزامات ناشی از همکاری اقتصادی بین‌المللی مبتنی بر منافع مشترک و حقوق بین‌الملل آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند- در هیچ مورد نمی‌توان ملتی را از وسایل معاش خود محروم کرد؛ ۳. دولت‌های طرف این میثاق از جمله دولت‌های مسئول اداره سرزمین‌های غیرخودمختار و تحت قیمومیت مکلف هستند تحقق حق خودمختاری ملل را تسهیل و احترام این حق را طبق مقررات منشور ملل متحد رعایت کنند».

حق تعیین سرنوشت به دو بخش داخلی و خارجی تقسیم می‌شود. حق محدود و استثنایی تعیین سرنوشت خارجی؛ یعنی حق به تعیین وضعیت بین‌المللی یک سرزمین برای مردمی که از زندگی سیاسی محروم مانده‌اند و دوم حق تعیین سرنوشت داخلی برای مردمان بومی (Wheatley, 2005: 66). در حقوق بین‌الملل، اصل آزادی ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود به‌عنوان یک اصل الزام‌آور پذیرفته‌شده و عرف بین‌المللی، تنها سه عامل استعمار، اشغال بیگانه و رژیم‌های نژادپرست را به‌عنوان استثنایی بر این اصل و امکان مداخله دول بیگانه را پذیرفته است. در فقدان هر یک از عوامل ذکر شده در بالا، حقوق بین‌الملل به‌هیچ‌عنوان اعمال تعیین سرنوشت را به هیچ وسیله از جمله ارسال تسلیحات به مردم یک کشور برای براندازی حکومت آن مورد شناسایی قرار نمی‌دهد. وضعیت اخیر در جنگ سوریه نیز حاکم بوده و اقدام

7. The Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Cooperation Among States.

دولت‌های بیگانه در سوریه در ارسال تسلیحات به تروریست‌ها فاقد هرگونه مبنایی در حقوق بین‌الملل حاکم بر حق تعیین سرنوشت است؛ بنابراین، مسئولیت بین‌المللی آنها را در پی دارد. همچنین استناد به وجود اقلیت‌های مذهبی یا زبانی برای ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه از مشروعیت برخوردار نیست، چراکه مجمع عمومی، به‌مانند شورای امنیت ملل متحد، تاکنون هرگز به‌حق تعیین سرنوشت به نفع یک اقلیت مذهبی یا زبانی در داخل یک دولت استناد نکرده است (شافع، ۱۳۹۲: ۱۸۱). ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه توسط اتحاد عربی- غربی به‌منظور تغییر رژیم و تجزیه این کشور، در دسته اقدامات تلافی‌جویانه در حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. اقدام تلافی‌جویانه با توجه به بند ۴ ماده ۲ منشور و استثنائات آن در منشور ملل متحد، یعنی دفاع مشروع و مجوز شورای امنیت برای توسل به‌زور بر اساس فصل هفتم، مشروعیت ندارد. با توجه به اینکه حتی اگر نقض تعهدی هم از سوی دولت سوریه صورت گرفته بود، بازهم ارسال تسلیحات به تروریست‌ها توسط دول بیگانه که می‌تواند یکی از مصادیق اقدامات تلافی‌جویانه را تشکیل دهد، نمی‌تواند قابلیت توجیه داشته باشد؛ بنابراین اقدام این دولت‌ها خود موجد مسئولیت بین‌المللی برای آنها را فراهم خواهد آورد. ارکان سازمان ملل همچون شورای امنیت و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در طی قطعنامه‌های متعدد مشروعیت اقدامات تلافی‌جویانه را زیر سؤال برده است. از جمله اینکه، شورای امنیت در قطعنامه ۱۸۸ در سال ۱۹۶۴، اقدام تلافی‌جویانه را به‌عنوان اقدامی مغایر اهداف و اصول منشور ملل متحد، محکوم می‌کند. همچنین مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در اعلامیه راجع به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها منضم به قطعنامه ۲۵۲۶، هرگونه اقدام تلافی‌جویانه را رد می‌نماید. از سوی دیگر، حتی اگر ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی را در چارچوب اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل بدانیم نیز، باید به این شرط اصلی در اعمال اقدامات متقابل توجه کرد که نباید ناقض قواعد آمره بین‌المللی بود، درحالی‌که اگر حتی ارسال کمک به تروریست‌ها را در چارچوب اقدامات متقابل در سوریه محسوب نماییم، بازهم این ارسال با قواعد آمره بین‌المللی همچون اصل عدم‌مداخله، اصل حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود، اصل منع جنایات جنگی و جنایت علیه بشریت، اصل منع تجاوز و ... تعارض پیدا می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۴۸۵).

### ۲-۳. کمک برای جلوگیری از نقض حقوق بشر توسط نظام سوریه

این استدلال عمدتاً از سوی کشورهای اروپایی و اتحادیه اروپا به‌منظور توجیه ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی آورده می‌شود. این امر به‌ویژه از زمان حملات شیمیایی آگوست ۲۰۱۳ در منطقه غوطه شرقی دمشق سوریه شدت گرفت. با این حال، باید از یک‌سو در مورد ارتکاب

حملات شیمیایی گفت که در هیچ‌یک از اسناد بین‌المللی ذیربط از جمله سازمان منع تسلیحات شیمیایی، دولت سوریه عامل حملات دانسته نشده بود و از این‌رو، هرگونه تفسیر یک‌جانبه از این حملات و مبنا قرار دادن آن برای ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه، منجر به مسئولیت بین‌المللی دولت‌های حمایت‌کننده از آن می‌شود. از سوی دیگر، افشاگری‌های سیمور هرش<sup>۸</sup>، خبرنگار سرشناس و متنفذ آمریکایی و پایگاه اینترنتی کهنه سرباز نشان می‌دهند که گاز سارین مورد استفاده در حملات شیمیایی ۲۱ آگوست در منطقه غوطه شرقی با گازهای سارین در تأسیسات شیمیایی سوریه تفاوت بنیادین داشته و آمریکا از طریق یکی از آزمایشگاه‌های سری خود در گرجستان موسوم به سنترال رفرنس<sup>۹</sup> با عاملیت ریچارد لوگر، سناتور سابق آمریکایی مبادرت به انتقال آن به ترکیه کرده که دولت اردوغان با آگاهی دستور انتقال آن به سوریه از طریق جبهه النصره را صادر و جبهه النصره و حامیان منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای آن مسئول بین‌المللی در قالب این حملات تلقی می‌شوند (Hersh, 2013: 9-12).

در مورد رعایت حقوق بشر در سوریه نیز باید به استناد به گزارش وزارت امور خارجه و اداره مشترک‌المنافع بریتانیا در سال ۲۰۱۲ اشاره کرد که بسیاری از نمودهای حقوق بشر همچون آزادی مذهب- که در قانون اساسی سوریه به رسمیت شناخته شده است- پیش از آغاز بحران سوریه از وضعیت نسبی مطلوبی برخوردار بوده و این عملکرد گروه‌های تروریستی «حمایت‌شده از سوی دول عربی و غربی» بوده است که رعایت حقوق بشر را در این کشور در سالیان اخیر با معضل مواجه ساخته است و بسیاری از اعمال مخالف حقوق بشر از جمله تجاوز جنسی به زنان، بهره‌برداری جنسی از آنان و ازدواج‌های اجباری توسط این گروه‌های تروریستی انجام‌شده است (Great Britain Foreign and Commonwealth Office, 2013: 237).

### ۳-۳. مقابله با سایر گروه‌های تروریستی در سوریه در چارچوب ائتلاف ضد داعش

جدیدترین مبنایی که توسط دولت‌های غربی از جمله ایالات متحده آمریکا برای مشروعیت‌بخشی به ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی، در سوریه بیان شده است، کمک بدان‌ها به منظور مقابله با سایر گروه‌های تروریستی، به‌ویژه داعش در چارچوب ائتلاف موسوم به «ائتلاف ضد داعش» می‌باشد. در چارچوب این ائتلاف، اخباری از مسئولان آمریکایی گزارش شده بود که عربستان سعودی با ایجاد اردوگاه‌هایی برای آموزش گروه‌های تروریستی مطلوب آنها در چارچوب طرح ایالات متحده برای مقابله با داعش موافقت کرده است. حتی آمریکا اعلام کرده قصد دارد بیش از ۵۰۰ مخالف دولت سوریه را برای جنگ با داعش در عربستان آموزش

8. Seymour Myron Hersh

9. Central Reference Laboratory

دهد. در این راستا، استدلال‌های مختلفی از سوی مقامات آمریکایی به‌منظور مشروع قلمدادکردن اقدام خود در چارچوب ائتلاف ضد داعش مطرح شده است که مهم‌ترین آن دفاع مشروع پیش‌دستانه است که در ذیل بدان اشاره می‌شود.

یکی از استدلالاتی که از سوی مقامات، به‌ویژه آمریکایی در توجیه مأموریت خود به نام *تصمیم ذاتی*<sup>۱۰</sup> در چارچوب ائتلاف ضد داعش (متشکل از ایالات‌متحده آمریکا، استرالیا، بلژیک، کانادا، دانمارک، فرانس، هلند، بریتانیا، بحرین، اردن، قطر، عربستان سعودی و امارات متحده عربی) آورده شده است، دفاع مشروع پیش‌دستانه است که آن را بر مبنای قطعنامه‌های ۱۳۶۸ و ۱۳۷۳ توجیه می‌کنند؛ توضیح آنکه در حقوق بین‌الملل، در صورتی که فعالیت‌های تروریستی به‌گونه‌ای باشد که حمله مسلحانه محسوب گردد، صرفاً دولتی که مورد حمله تروریستی قرار گرفته و قربانی تلقی می‌شود، می‌تواند بر اساس ضرورت و تناسب میان حمله و دفاع به این حملات پاسخ دهد (کرم‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۶۵). درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت دفاع مشروع پیش‌دستانه تاکنون نظریات مختلفی ارائه شده است، از جمله *آنتونیو کاسسه* معتقد است که حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، چارچوب حقوقی دفاع مشروع را تغییر داده و به نظر می‌رسد که طی چند روز، رویه تمامی دولت‌ها در این جهت بود که یک حمله تروریستی سازمان‌یافته توسط یک سازمان تروریستی همانند تجاوز مسلحانه توسط یک دولت است و دولت قربانی می‌تواند به‌حق دفاع مشروع فردی و دول ثالث در صورت درخواست دولت قربانی توسل جوید. (شریفی، ۱۳۸۲: ۶۵). در مقابل، مخالفان دفاع مشروع پیش‌دستانه، دو دلیل عمده را در مخالفت با اعمال دفاع مشروع پیش‌دستانه برای توجیه حملات نظامی دولت‌ها ذکر می‌کنند:

۱. قاعده عرفی بین‌المللی، استفاده از دفاع مشروع پیش‌دستانه را به مفهوم خاص آن، پیش‌بینی نکرده است؛

۲. ماده ۵۱ همه حقوق حاکم قبلی را نسخ نموده و جایی برای نوع دیگری از دفاع مشروع باقی نگذاشته است (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۲). صرف‌نظر از غیرقانونی بودن دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل، آنچه در تمامی این تعاریف مشترک به نظر می‌رسد؛ رضایت دولت قربانی است. به‌عبارت‌دیگر، «در حقوق بین‌الملل عرفی، قاعده‌ای وجود ندارد که به کشور دیگری اجازه دهد بر مبنای ارزیابی خود از وضعیت، اقدام به دفاع مشروع دسته‌جمعی نماید» (قاسمی و چهاربخش، ۱۳۹۰: ۵۶). این امر در تفسیر کمیسیون حقوق بین‌المللی از ماده ۲۰ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نیز مورد تأیید قرار گرفته است (ابراهیم‌گل، ۱۳۹۲: ۱۳۴). در فقدان رضایت دولت قربانی، تنها با توسل به قطعنامه‌های شورای امنیت بر مبنای فصل هفتم

آن می‌توان به حمله نظامی علیه عملکرد بین‌المللی تروریسم در یک کشور دست زد. بدیهی است که در وضعیت سوریه هیچ‌کدام از این فروض، حاکم نیست، چراکه از یک‌سو، مقامات دولتی سوریه قبل از انجام عملیات ائتلاف ضد داعش، مخالفت صریح خود را با هرگونه ارسال تسلیحات بیگانه به گروه‌های تروریستی اعلام کرده و آن را مخالف قواعد بین‌المللی دانسته است،<sup>(۱۷)</sup> از سوی دیگر، هیچ‌یک از قطعنامه‌های شورای امنیت ملل متحد خواستار ارسال تسلیحات به گروه‌های مخالف در سوریه در چارچوب دفاع مشروع پیش‌دستانه نشده است. در سطح شورای امنیت تاکنون چندین قطعنامه از جمله قطعنامه ۲۱۶۱، ۲۱۷۰، ۲۱۷۸ به تصویب رسیده است. در قطعنامه ۲۱۶۱، شورای امنیت از گروه کارشناسان می‌خواهد تا ظرف ۹۰ روز از تاریخ تصویب این قطعنامه، کلیه خطراتی که به‌وسیله گروه‌های تروریستی داعش و النصره بر منطقه وارد می‌شود از جمله منبع تأمین تسلیحات آنها را مشخص نماید.<sup>(۱۸)</sup> بر مبنای قطعنامه ۲۱۷۸، افراطی‌گری خشونت‌آمیز (از جمله تروریسم سلفی‌گری)، تهدیدی گسترده برای صلح و امنیت بین‌المللی بوده که بر ثبات سیاسی، انسجام ملی و بنیان‌های اساسی، به‌ویژه در کشورهای خاورمیانه از جمله سوریه، اثرات سوء داشته است. سوم، قتل چند خبرنگار آمریکایی از جمله جیمز فولی<sup>۱۱</sup> و استیون ساتلاف<sup>۱۲</sup> نمی‌تواند توجیه‌کننده ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه در چارچوب دفاع مشروع فردی باشد.

بنابراین نمی‌توان بر مبنای دفاع مشروع پیش‌دستانه، اقدام ائتلاف ضد داعش را در ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه مشروع دانست و کشورهای استنادکننده بدان، از جمله در قالب ائتلاف ضد داعش به دلیل عدم رضایت دولت سوریه از اقدامات آنها در خاک سوریه، واجد مسئولیت بین‌المللی هستند.

#### ۴. مسئولیت بین‌المللی دول تسلیح‌کننده تروریست‌ها در سوریه

مسئولیت بین‌المللی دول تسلیح‌کننده تروریست‌ها در سوریه، اصلی‌ترین بخش مقاله حاضر را تشکیل می‌دهد. در این راستا، روش‌های ارسال تسلیحات به این گروه‌ها، مسئولیت بین‌المللی موردی دول حمایت‌کننده تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی در سوریه و همچنین تلاش‌های این دولت‌ها به‌منظور بری‌ساختن خویش از مسئولیت بین‌المللی از اهمیت اساسی برخوردار است که در این بخش در قالب سه قسمت بدان‌ها پرداخته می‌شود.

11. James Foley

12. Steven Sotloff

#### ۴-۱. روش‌های ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه

دو روش عمده از سوی دول بیگانه برای ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه وجود دارد که در ادامه با تفصیل بیشتری به آن پرداخته می‌شود. یکی از آنها، سوءاستفاده از ورود امواج پناهندگی و آوارگی اتباع سوری به کشورهای همسایه و دیگری تشکیل گروه‌های واسطه به‌ظاهر شورشی نماینده خلق سوریه برای ارسال تسلیحات است. قطعاً روش‌های ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه محدود به این دو مورد نمانده و مواردی دیگر از جمله تأمین غیرمستقیم تسلیحات از طریق بازارهای سیاه را نیز دربرمی‌گیرد.

۴-۱-۱. سوءاستفاده از ورود امواج پناهندگی و آوارگی اتباع سوری به کشورهای همسایه  
یکی از روش‌های بارز، به‌ویژه در مورد ترکیه آن است که به نقل‌وانتقال تسلیحات و تروریست‌ها در میان افواج پناهندگان و آوارگان سوری می‌پردازد (Dinçer, et.al, 2013: 7).

گروه تروریستی داعش با حمایت مستقیم ترکیه چهار شهر مرزی سوریه با ترکیه، یعنی عطمه، الباب، عزاز و جرابلس را که ورود و خروج پناهندگان و آوارگان سوری از طریق آنها انجام می‌شود، در دست دارد (U.S. Congress, 2014: 46). همراه با این ارسال تسلیحات، ترکیه اقدام به برخورد با گروه پ.ک.ک به‌منظور از بین‌بردن مانع بر سر راه ارسال تسلیحات به داخل سوریه کرده است، چنان که رجب طیب اردوغان، نخست‌وزیر سابق و رئیس‌جمهوری فعلی ترکیه، در این باره می‌گوید: «ما به هیچ گروه تروریستی اجازه نخواهیم داد تا در شمال سوریه، اردوگاه‌هایی ایجاد کرده و ترکیه را تهدید نماید» (Israeli, 2013: 93). این امر از آنجا مشهودتر می‌شود که بسیاری از پناهندگان و آوارگان به‌اصطلاح سوری در اردوگاه‌های پناهندگی سازمان ملل متحد در شهرهای مرزی ترکیه اقامت نگزیده و ثبت نشده‌اند و از این رو، نمی‌توان به طور قطع تابعیت سوری و غیرنظامی بودن آنها را تأیید کرد (Dinçer, et.al, 2013: 27). این امر در کشورهای دیگر میزبان پناهندگان سوری به شکل دیگری رخ می‌دهد. برای نمونه در اردن، پناهندگان سوری تهییج می‌شوند تا با عضویت در گروه‌های تروریستی همچون داعش، از مزایای عمده مادی و معنوی برخوردار شوند (Young, et al. 2014:50).

۴-۱-۲. تشکیل گروه‌های واسطه به‌ظاهر شورشی نماینده خلق سوریه برای ارسال تسلیحات  
یکی دیگر از روش‌هایی که به‌ویژه کشورهای غربی درصدد توجیه ارسال تسلیحات خود به گروه‌های تروریستی در سوریه هستند، تشکیل گروه‌های واسطه به‌ظاهر شورشی نماینده خلق سوریه مانند ارتش آزاد سوریه است. در نوامبر ۲۰۱۲، بسیاری از گروه‌های مخالف نظام سوریه از جمله جبهه النصره، در کنفرانسی در قطر، ائتلافی با عنوان ائتلاف ملی نیروهای انقلابی و

مخالف سوری<sup>۱۳</sup> را تشکیل دادند (Huff, Lee Roth and Project Censored, 2013:145). این ائتلاف در صحنه بین‌المللی به‌عنوان اصلی‌ترین دریافت‌کننده کمک‌های مالی و تسلیحاتی اتحاد غربی-عربی شناخته می‌شود.<sup>(۱۹)</sup> در تحقیقی که توسط سی. جی. شیورز و اریک اشمیت از روزنامه نیویورک‌تایمز در سال ۲۰۱۳ بر روی راهبرد غرب در تجهیز تسلیحاتی گروه‌های مخالف نظام سوریه انجام شد، مشخص گردید که گروه‌های میانه‌روتر مخالف از جمله احرارالشام و ارتش آزاد سوریه پس از دسترسی به تسلیحات توسط سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا)، آنها را به گروه‌های تندروتر از جمله جبهه النصره و داعش فروخته یا منتقل می‌کنند.<sup>(۲۰)</sup>

#### ۴-۲. ارزیابی موردی مسئولیت بین‌الملل دول تسلیح‌کننده گروه‌های تروریستی در سوریه

ارزیابی موردی مسئولیت بین‌المللی دول تسلیح‌کننده گروه‌های تروریستی در سوریه از دیگر ابعاد مهم عملی اثبات مسئولیت بین‌المللی این دولت‌ها در این راستا تلقی می‌شود. در این مبحث به اثبات عملی مسئولیت بین‌المللی دول بیگانه در سوریه در حمایت از عملکرد بین‌الملل تروریسم در سوریه با استناد به معیار کنترل کلی خواهیم پرداخت. اگرچه دولت‌های بسیاری در جریان ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه مسئول بین‌الملل تلقی می‌گردند، اما در اینجا تنها به نقش اصلی‌ترین دولت‌ها در جریان ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه خواهیم پرداخت. بنابراین در قالب سه قسمت ایالات متحده آمریکا، برخی از دول اروپایی و برخی از دولت‌های عربی به ارزیابی عملکرد آنها در راستای اثبات مسئولیت بین‌المللی آنها در تسلیح گروه‌های تروریستی در سوریه پرداخته خواهد شد.

۴-۲-۱. مسئولیت بین‌المللی ایالات متحده آمریکا در تسلیح گروه‌های تروریستی در سوریه  
مهم‌ترین دولتی که در حمایت تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی در سوریه، از هیچ کوششی فروگذار نبوده، آمریکا است. مداخله ایالات متحده در سوریه از طریق ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی، تابعی از راهبرد جامع دفاعی این کشور پس از حوادث یازده سپتامبر در خاورمیانه است که «مسئله سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه به‌عنوان اولویت اساسی و اولیه در دستور کار سیاستمداران آمریکا قرار گرفت تا بتوانند علاوه بر مبارزه با گسترش سلاح‌های کشتار جمعی، اهداف دیگری را که در این منطقه داشتند- از جمله براندازی نظام سوریه- پیگیری کنند» (محبی‌نیا و صالحی، ۱۳۹۲: ۲۴).

حمایت تسلیحاتی ایالات‌متحده آمریکا از مخالفان نظام سوریه محدود به بحران فعلی در سوریه نمی‌شود، سابقه مداخلات این‌چنینی آمریکا در سوریه به اواسط قرن بیستم و تلاش ناموفق برای ساقط کردن دولت سوریه در سال ۱۹۵۶ در جریان عملیات موسوم به سرگردانی<sup>۱۴</sup> با همراهی ارتش و فرماندهی وزیر وقت سوریه، میشل بی‌الیان<sup>۱۵</sup> بازمی‌گردد که البته ناموفق بود (Barnes-Dacey and Levy, 2013: 6-12). طی این عملیات به‌مانند بحران اخیر سوریه، مقامات آمریکایی منکر هرگونه مداخله در وقایع سوریه شدند که از آن جمله می‌توان به اظهارات جان فاستر دالس<sup>۱۶</sup> وزیر امور خارجه وقت آمریکا اشاره کرد. ازجمله سایر مداخلات آمریکا در سوریه با استفاده از حمایت از تروریسم را می‌توان به یورش شبه‌نظامیان در شهرک سکریه در شرق سوریه در ۲۶ اکتبر ۲۰۰۸ اشاره نمود که علاوه بر تأمین مالی و تسلیحاتی تروریست‌ها به‌قصد ایجاد آشوب و ناامنی در سوریه، ۲۴ کماندو ارتش آمریکا نیز این گروه را مورد حمایت قرار می‌دادند. در جریان این حملات تروریستی، ۸ شهروند سوری کشته شدند. ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در داخل سوریه که اتفاقاً بر اساس منابع اطلاعاتی خود آمریکا در شرایط و زمانی صورت می‌پذیرد که نیروها و قدرت اصلی مخالف دولت سوریه در دستان همین گروه‌های مرتبط با القاعده است که باعث می‌شود که مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا در ارتکاب جنایات بین‌المللی و حمایت از عملکرد تروریسم در سوریه را بپذیریم (Blanchard, Humidor kit, 2014: 9-12).

اگرچه مقامات آمریکایی ادعا دارند که کمک‌های تسلیحاتی آنها به پس از واقعه ۲۱ اگوست ۲۰۱۳ بازمی‌گردد که قانون‌گذاران آمریکا خواستار افزایش کمک‌های نظامی به مخالفان بوده‌اند، اما حتی پیش از این تاریخ نیز، بنا به اسناد کمیته روابط خارجه کنگره، کمک‌های نظامی آمریکا شامل تسلیحات کوچک، ابزارهای جنگی ضدتانک، مهمات و آموزش نظامی تحت اختیار سیا به تروریست‌ها در سوریه انجام می‌پذیرفته است (Borghard, 2013: 3-5). در مارس ۲۰۱۲، چند قرارداد میان ایالات‌متحده آمریکا، قطر، ترکیه و عربستان سعودی برای انتقال چندین میلیون دلار به منظور کمک به تروریست‌ها منعقدشده است تا پس از خرید تسلیحات از طریق ترکیه به داخل خاک سوریه انتقال یابد.<sup>(۲۱)</sup> همچنین می‌توان به استقرار دفاتر و پایگاه‌های سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) در کشورهای اطراف سوریه مانند ترکیه به‌منظور آموزش، فرماندهی و کنترل تروریست‌ها و ارسال تسلیحات بدان‌ها اشاره کرد.<sup>(۲۲)</sup> با وجود تروریستی خواندن گروه‌های درگیر در سوریه توسط مراجع

14. Operation Straggle

15. Michail Bey Ilyan

16. John Foster Dulles

قانونی، تمامی آنها دارای حساب کاربری فیس‌بوک و توئیتر (که ثبت‌شده و تبعه آمریکا هستند) می‌باشند که در آن اخبار جنایات هولناک خود را در سوریه فاش ساخته و به تهدیدات خود علیه دولت قانونی سوریه ادامه می‌دهند (Boxx and White, 2012: 18). ویکی‌لیکس گزارش داد که کمک‌های تسلیحاتی و مالی آمریکا به تروریست‌ها در سوریه به‌صورت مخفیانه و از طریق بخش فعالیت‌های خاص در سیاه، ارسال می‌شود. اظهارات اوباما در اوایل سپتامبر ۲۰۱۳ در جمع سناتورهای آمریکایی مبنی بر اینکه سیاه یک گروه ۵۰ نفره از تروریست‌ها را آموزش داده و تسلیح کرده و به داخل سوریه فرستاده است، نخستین اقرار یک مقام آمریکایی به مداخله در سوریه از طریق ارسال کمک‌های تسلیحاتی به تروریست‌ها است (Baker and Weisman, 2013: 2). در ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۴، مجلس نمایندگان ایالات‌متحده، قانونی را به تصویب رساند که به دولت فدرال اجازه می‌داد تا پایان سال ۲۰۱۴، به تأمین مالی و صدور تجهیزات نظامی خاص برای برخی گروه‌های تروریستی در سوریه بپردازد (Glantz, 2014: 56).

کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به‌صورت بالفعل و مشهود از زمان وقوع حملات شیمیایی در ۲۱ اوت ۲۰۱۳ آغاز شد. منابع اطلاعاتی ایالات‌متحده آمریکا با اطمینان بالا اعلام کردند که دولت سوریه از گاز اعصاب سارین در حملات محدود در ابتدای سال ۲۰۱۳ استفاده کرده است و این سناریو که مخالفان حملات ۲۱ اگوست را انجام داده‌اند، بسیار غیرمحمول است. آمریکا برای اثبات ادعای خود به داده‌های ماهواره‌ای اطلاعاتی خویش استناد کرد مبنی بر آن که این حملات از مناطق تحت کنترل دولت شامل کفریطن، جوبر، عین ترمه، درعا و مودمیه انجام شده است. استناد آمریکا به داده‌های ماهواره‌ای برای توجیه کمک‌های تسلیحاتی خود به گروه‌های تروریستی یادآور مستمسک حمله نظامی به عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی بود که بر مبنای داده‌های اطلاعاتی و ماهواره‌ای از داشتن بمب هسته‌ای توسط رژیم بعثی خبر داده بود، در حالی که بی‌اعتباری آن اثبات شد. در ژوئن ۲۰۱۳، دولت آمریکا اعلام داشت که حملات شیمیایی، می‌تواند منجر به کمک بیشتر مادی به مخالفان شود (Entous, 2013: 6). جدیدترین ارسال مشهود تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه در چارچوب ائتلاف بین‌المللی ضد داعش در کوبانی سوریه رخ داد که هواپیماهای پشتیبانی ایالات‌متحده در چند نوبت، محموله‌های تسلیحاتی را که باید در دست مبارزان کرد قرار می‌گرفت، به ادعای خود «اشتباهی» ولی در واقع «تعمدی» به اعضای گروه تروریستی داعش رسانیدند.

ارسال کمک‌های تسلیحاتی آمریکا به گروه‌های تروریستی در سوریه را می‌توان از یک‌سو نشانه اوج تظاهر و دوگانگی عینی و از سوی دیگر انحصارطلبی نوین استعماری در برخورد با پدیده تروریسم بین‌المللی دانست. تظاهر و دوگانگی عینی بدین معنا است که دولت‌های مذکور

برای تصویب قطعنامه‌های الزام‌آور، به‌ویژه در شورای امنیت سازمان ملل متحد (از جمله قطعنامه ۱۳۶۸) مانع از اعطای کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم سایر دولت‌ها به گروه‌های تروریستی شوند، اما در عمل به‌انحای مختلف سعی می‌نمایند تا محدودیت‌های مقرر شده توسط خود را دور بزنند که مشخص‌ترین نمونه آن را می‌توان به درج عبارت «ضرورت در نظر گرفتن منافع ملی آمریکا در صدور یا عدم صدور تسلیحات به سایر نواحی جهان» در بخش ۴۰ و ۴۰a قانون داخلی ناظر بر صدور تسلیحات آمریکا،<sup>۱۷</sup> به رئیس‌جمهور دانست که اجازه نقض همین قانون را با عذر کمک تسلیحاتی به گروه‌های تروریستی مرتبط با القاعده در سوریه می‌دهد. همچنین ارسال کمک‌های تسلیحاتی توسط آمریکا و سایر دول غربی در سوریه که نمایانگر نوعی انحصارطلبی نوین استعماری آنها است، بدین معناست که با منع اعطای کمک‌های تسلیحاتی به گروه‌های تروریستی توسط دول دیگر و اختلال در نظم و امنیت بین‌المللی توسط این تروریست‌ها در کشورهای مخالف با آن، زمینه بروز ابزار جدیدی در اعمال سیاست‌های استعماری دول غربی در کشورهای گوناگون به نام تروریست‌ها را فراهم نموده‌اند؛ به‌گونه‌ای که با عدم سازگاری دول مختلف با سیاست‌های دول غربی، زمینه بروز اختلال در نظم و امنیت داخلی دول سربلندی‌کننده به‌وسیله حملات تروریستی را فراهم می‌آورند. البته برخی در توجیه این رفتار دوگانه ایالات‌متحده و سایر دول غربی در محکومیت تروریسم سلفی‌گری، سرمایه‌گذاری‌های عمده‌ی شیخ‌نشین‌های عربی در این کشورها و ترس از فرار این سرمایه‌ها را در صورت محکوم کردن این نوع تروریسم به‌عنوان عامل اصلی انفعال دول غربی ذکر کرده‌اند (Ehrenfeld, 2011: 143).

به‌طور کلی اقدام دولت آمریکا در ارسال کمک‌های تسلیحاتی به گروه‌های تروریستی در سوریه با استناد به تفسیر خود از صلح و امنیت بین‌المللی، موجد مسئولیت بین‌المللی برای آن دولت تلقی خواهد شد؛ چراکه یک دولت نمی‌تواند با استناد به قوانین داخلی خود به نقض تعهد بین‌المللی خویش بپردازد. این امر، علاوه بر کنوانسیون حقوق معاهدات ۱۹۶۹ وین و نیز طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها کمیسیون حقوق بین‌الملل ملل متحد، در رویه قضایی بین‌المللی نیز پذیرفته شده است. در پایان باید گفت که کمک‌های نظامی آمریکا به تروریست‌ها در سوریه، نشانگر نوعی شکاف عظیم میان مردم و سیاستمداران آمریکا است در حالی که بر اساس نظرخواهی شبکه‌ای ای‌بی‌سی نیوز، ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان آمریکایی، مخالف ارسال کمک‌های نظامی آمریکا یا متحدانش به مخالفان به سوریه بوده‌اند، این کمک‌ها صورت گرفته است.<sup>(۲۳)</sup>

#### ۴-۲-۲. مسئولیت بین‌المللی برخی از دول اروپایی در تسلیح تروریست‌ها در سوریه

مسئولیت بین‌المللی برخی از دول اروپایی در تسلیح تروریست‌ها در سوریه از جمله دیگر موضوعات مهم در چارچوب مسئولیت بین‌المللی دول تسلیح‌کننده تروریست‌ها در سوریه محسوب می‌شود. در این راستا، ابتدا به موافقت‌نامه‌های اتحادیه اروپایی - که اکثر دول اروپایی عضو آن هستند - با سوریه پیش از بحران و سپس به موضوع مسئولیت بین‌المللی برخی از دول اروپایی در این راستا پرداخته می‌شود. پیش از وقوع جنگ داخلی سوریه، روابط اتحادیه اروپا با سوریه در قالب «سیاست همسایگی جنوبی»<sup>۱۸</sup> تعریف می‌شد که علاوه بر سوریه، الجزایر، اردن، لبنان، لیبی، رژیم صهیونیستی، تونس، مراکش و مصر را دربرمی‌گرفت که به اتحادیه برای مدیترانه،<sup>۱۹</sup> مشارکت یورو - مدیترانه<sup>۲۰</sup> نیز مشهور است. این سیاست همگرایی (و نه الحاق) بین این کشورها و اتحادیه اروپا در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، امنیتی، فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شد. اما پس از وقوع درگیری‌ها در سوریه و به‌خصوص حمایت برخی از دولت‌های اروپایی مانند انگلیس و فرانسه از تروریست‌ها و به‌رسمیت‌شناختن و ارسال تسلیحات برای آنها، دچار دگرگونی شد.

با توجه به اینکه اتحادیه اروپایی عنصری تعیین‌کننده در عرصه سیاست‌های خارجی دفاعی و امنیتی دولت‌های عضو تلقی می‌شود؛ در این بخش به تصمیمات اتحادیه اروپایی در باب ارسال تسلیحات به گروه‌های مخالف و تروریستی در سوریه و سپس به مسئولیت دولت‌های عضو این اتحادیه پرداخته می‌شود. نخستین تصمیم اتحادیه اروپایی در قبال بحران اخیر سوریه در ماه می ۲۰۱۱ اتخاذ شد که بر مبنای آن، ضمن محکوم‌نمودن «سرکوب خشونت‌آمیز اعتراضات مسالمت‌آمیز» در سوریه، تحریم‌هایی را علیه نظام این کشور وضع کرد. اتحادیه اروپا سپس با اتخاذ تصمیم ۲۷۳/۲۰۱۱ و آیین‌نامه ۲۰۱۱/۴۴۲ تمامی دولت‌های عضو را از تأمین، انتقال یا صادرات تسلیحات و مواد مرتبط از هر نوع از جمله مهمات و تجهیزات شبه‌نظامی که قابلیت به‌کارگیری در سرکوب مردم سوریه را داشت، منع کرد. این ممنوعیت شامل وسایل نظامی غیررزمی، تجهیزات نظامی غیرکشنده و تجهیزاتی که صرفاً برای استفاده‌های بشردوستانه یا حفاظتی می‌شد را دربرنمی‌گرفت. در ماه‌های ژانویه و ژوئن ۲۰۱۲، شورای اتحادیه اروپا دو آیین‌نامه بسیار مهم را تصویب و مواد و خدماتی که بر مبنای تحریم تسلیحاتی اتحادیه اروپا منع شده بود را شرح داد و از این طریق، نظام حاکم بر تحریم تسلیحاتی اتحادیه علیه نظام سوریه را تقویت کرد. همچنین آیین‌نامه‌های ۲۰۱۲/۳۶ و

18. Southern Neighborhood Policy

19. The Union for Mediterranean

20. The Euro- Mediterranean Partnership

۲۰۱۲/۵۰۹ دربردارنده مقررات مشابهی راجع به منع انتقال، ارسال و صدور تجهیزات نظامی به دولت سوریه بود که در نظارت یا قطع کردن ارتباطات مجازی از جمله اینترنتی کاربرد داشتند. این اسناد دربردارنده مقرراتی راجع به منع تأمین مواد خاص نظامی بود که می‌توانست برای تولید یا نگهداری از تجهیزات نظامی که قابلیت به‌کارگیری در سرکوب داخلی مردم را دارند، استفاده شود. در جولای ۲۰۱۲، شورای اتحادیه اروپا به‌منظور اعمال فشار بیشتر بر نظام سوریه، تصمیم ۴۲۰/۲۰۱۲ را اتخاذ کرد که به‌موجب آن، تمامی دول عضو اتحادیه اروپایی ملزم شدند تا کلیه کشتی‌ها و هواپیماهایی که به مقصد سوریه بودند را در فرودگاه‌ها، بندرها و مناطق تحت صلاحیت خود مورد بازرسی قرار دهند. در نوامبر ۲۰۱۲، تحریم‌های تسلیحاتی قبلی اتحادیه اروپا علیه سوریه تشدید شد. در می ۲۰۱۳ نیز، انگلیس و فرانسه به اتحادیه اروپا فشار آوردند تا به‌طور رسمی به مسلح کردن بیشتر برخی از گروه‌های تروریستی عامل در سوریه بپردازد. تصمیم انگلیس و فرانسه با مخالفت شدید سایر دولت‌های اتحادیه اروپا از جمله هلند، بلژیک، رومانی، فنلاند و اتریش مواجه شد؛ به‌طوری‌که در اواخر فوریه ۲۰۱۳، شورا با اصلاح پیشنهادهای انگلیس و فرانسه، بخشی از تحریم‌های خود را که از سال ۲۰۱۱ علیه نظام سوریه به دلیل سرکوب تروریست‌ها وضع شده بود، اصلاح کرد.<sup>(۲۴)</sup> البته این امر منجر به تسهیل ارسال سه نوع تسلیحات و تجهیزات نظامی به مخالفان و گروه‌های تروریستی در سوریه شد، از جمله:

۱. تجهیزات غیرکشنده نظامی برای حفاظت از غیرنظامیان یا ائتلاف ملی سوریه؛ ۲. تحویل وسایل نظامی غیررزمی به ائتلاف ملی سوریه؛ ۳. ارائه کمک‌ها و خدمات فنی نظامی به ائتلاف ملی سوریه به‌منظور حفاظت از غیرنظامیان. در آوریل ۲۰۱۳، شورای اروپایی متعاقباً بخشی از تحریم‌های خود علیه سوریه را اصلاح کرد، به‌گونه‌ای که اجازه ارسال و تأمین وسایل غیرکشنده شامل ماشین‌های مسلح و همچنین آموزش نظامی به گروه‌های تروریستی را فراهم می‌نمود. از مجموع این مباحث، چند نتیجه کلی در باب ارسال تسلیحات اتحادیه اروپا به گروه‌های تروریستی در سوریه اخذ می‌شود: ۱. تسلیحات ارسالی تنها می‌تواند به ائتلاف ملی سوریه تحویل داده شود؛ ۲. تسلیحات کشورهای عضو اتحادیه تنها باید به‌منظور حفاظت از جان غیرنظامیان در سوریه، ارسال شود؛ ۳. دولت‌های عضو باید تمامی مقررات تضمینی ارسال تسلیحات از جمله اطمینان از مصرف‌کننده و مقصد نهایی این تسلیحات را رعایت کنند؛ ۴. تصمیمات برای ارسال تسلیحات به سوریه باید مبتنی بر سند موضع مشترک اتحادیه اروپایی اخذ شود. ۵. کشورهای عضو اتحادیه اروپا تاکنون نتوانسته‌اند راجع به انتقال تسلیحات به گروه‌های مخالف و تروریست در سوریه به یک موضع واحد دست یابند و از این رو، بحث مسئولیت بین‌المللی دولت‌های عضو این اتحادیه پیش کشیده می‌شود.

پس از ذکر مقدمه‌ای راجع به اسناد اتحادیه اروپایی در زمینه ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه، اکنون به نقش برخی از دول اروپایی تسلیح‌کننده تروریست‌ها در سوریه می‌پردازیم. به صورت مشخص چهار دولت انگلیس، فرانسه، ایتالیا و آلمان عضو ائتلاف موسوم به دوستان سوریه بوده که تاکنون تصمیمات مشخصی را درباره ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه اتخاذ نموده‌اند؛ از جمله این‌که در ۲۲ ژوئن ۲۰۱۳، با صدور بیانیه مشترکی در نشست دوستان سوریه در دوحه قطر اعلام کردند که بدون تمییز میان مخالفان دولت سوریه، هر دولتی باید به شیوه خویش به‌انحای مختلف از جمله از طریق تسلیحاتی به تروریست‌ها در سوریه یاری رساند.<sup>(۲۵)</sup> همچنین انتساب مسئولیت بین‌المللی دولت‌های اروپایی به صورت غیرمستقیم بر آنها بار گردد؛ بدین معنا که آنها با عدم مراقبت و احتیاط لازم در مورد حضور مؤثر اتباع خود در سوریه برای انجام اعمال تروریستی علیه دولت و مردم سوریه، زمینه تشدید بحران، افزایش ارسال کمک‌های تسلیحاتی و در نتیجه مسئولیت بین‌المللی مضاعف خویش را مطرح کرده‌اند. ادعای دولت‌های اروپایی درباره عدم مراقبت و احتیاط لازم نسبت به حضور مؤثر اتباع تروریست پذیرفتنی نیست، زیرا از ۳۰ ماه می ۲۰۱۳ کمیته تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل گروه‌های تروریستی عامل در سوریه مانند جبهه النصره را جزء تحریم‌های مربوط به گروه‌های وابسته با القاعده قرار داده و بنابراین دارایی‌های آنها مسدود و ارسال کمک‌های تسلیحاتی به آنها ممنوع شده است.<sup>(۲۶)</sup> اما استدلال دولت‌های اروپایی، پیش از این تاریخ نیز (با توجه به عدم تسری وصف تروریسم به این گروه‌ها توسط نهادهای مسئول سازمان ملل متحد) اقناع‌کننده نیست؛ چراکه بسیاری از تروریست‌های اروپایی که در سوریه مشغول به جنگ هستند، در گذشته بر اساس قوانین داخلی همین کشورها به دلیل جرائم تروریستی بازداشت و محکوم شده‌اند که برای نمونه می‌توان از محمد محمود، شهروند اتریشی نام برد که پس از سپری کردن دوران محکومیتش به جرم پان‌ترکیسم در اتریش، به سوریه رفته و در آنجا به کشتار مردم بی‌گناه مبادرت می‌کند (Baker, Paulsen, and Entenmanns, 2013:12-13).

به موجب قطعنامه ۱۳۷۳ شورای امنیت سازمان ملل اقدام دولت‌های اروپایی در پناه‌دادن و عدم مجازات افراد و گروه‌های تروریستی وابسته به القاعده به منظور تأمین، برنامه‌ریزی، حمایت، مقدمه‌چینی و ارتکاب اعمال تروریستی بین‌المللی در سوریه، مخالف تعهدات آنها بوده و موجبات مسئولیت مضاعف بین‌المللی آنها را در پی خواهد داشت؛ چرا که «حقوق بین‌الملل مقید است به اینکه هیچ دولتی حق ندارد رأساً یا توسط دیگران از قلمرو حاکمیت خود برای اضرار به کشور دیگری استفاده کند. اگر دولتی عمداً یا از روی اشتباه به گروه یا گروه‌های

مخصوصی اجازه دهد در قلمروی او دست به اقداماتی بزنند که امنیت ملی و حاکمیت دولت دیگری را نقض نماید؛ شدیداً مرتکب عمل خلاف حقوق بین‌الملل شده است» (فیوضی، ۱۳۵۷: ۳۳).

در پایان درباره ارسال تسلیحات توسط دولت‌های اروپایی به گروه‌های تروریستی در سوریه باید خاطرنشان ساخت که بی‌تفاوتی و انفعال عمدی یا سهوی دولت‌های اروپایی نسبت به جریان حضور و مشارکت فعال اتباع خود در انجام عملیات تروریستی در سوریه در آینده با خاتمه جنگ سوریه و بازگشت آنها به کشورهاشان، زمینه به‌مخاطره‌انداختن نظم و امنیت داخلی و حتی منطقه‌ای، بروز آشوب‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی از طریق رادیکالیزه‌شدن اتباعشان در خلال مشارکت در انجام اعمال تروریستی و نیز دریافت آموزش‌های نظامی را محتمل می‌دارد. بر اساس نتایج یک تحقیق در مورد افراد محکوم‌شده به دلیل انجام اعمال مرتبط با تروریسم سلفی‌گری از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۹ در بین دول عضو اتحادیه اروپا، حدود ۱۲ درصد از این محکومان پیش از انجام اقدامات تروریستی، مبادرت به دریافت آموزش‌های نظامی کرده یا سابقه حضور در صحنه مخاصمات در کشورهایی مانند افغانستان و عراق را تجربه کرده بودند (Moniquet, 2013: 10-12). بر همین اساس است که یورویپل در گزارش سال ۲۰۱۲ تروریسم خود بر لزوم توجه بیشتر دول اروپایی به چالش عمده بازگشت تروریست‌های سلفی به کشورهای مذکور که دارای قابلیت استفاده از آموزش‌های نظامی خود و تجربه مبارزه و جنگیدن تروریستی هستند، تأکید می‌ورزد.<sup>(۲۷)</sup>

۴-۲-۳. مسئولیت بین‌المللی برخی دولت‌های عربی در تسلیح گروه‌های تروریستی در سوریه  
در این بخش به مسئولیت بین‌المللی برخی دولت‌های عربی، به‌ویژه عربستان سعودی و قطر در حمایت تسلیحاتی از تروریسم بین‌المللی در سوریه می‌پردازیم. آغاز بحران در سوریه در سال ۲۰۱۱ که مصادف بانفوذ مداخله‌گرایانه شورای همکاری خلیج‌فارس در بحرین و سرکوب شیعیان مظلوم در بحرین و عربستان بود، دولت‌های عربی به‌ویژه شورای همکاری خلیج‌فارس را بر آن داشت تا به‌منظور انحراف اذهان عمومی جهان عرب از این جنایات نظام‌یافته، طرح بحران‌آفرینی در سوریه که از جبهه‌های مقاومت اسلامی تلقی می‌شود را در دستور کار قرار دهند (International Crisis Group, 2013: 3-5). این امر موجب شد که دول عربی در سازمان‌های بین‌المللی که نفوذ عمده‌ای در آن داشتند، ازجمله سازمان همکاری اسلامی و اتحادیه عرب به محکومیت دولت سوریه بپردازند. در این میان، سازمان همکاری‌های اسلامی به‌عنوان نخستین سازمان بین‌المللی بود که عضویت دولت سوریه در آن به حالت تعلیق درآمد. این سازمان طی نشست فوق‌العاده در مکه، بدون دعوت از نمایندگان دولت سوریه، عضویت

سوریه در این سازمان را به حالت تعلیق درآورد. تنها مخالف این تصمیم، جمهوری اسلامی ایران بود.<sup>(۲۸)</sup> بیانیه پایانی این نشست، ضمن محکوم کردن کشتار مردم غیرنظامی در سوریه، خواستار توقف سریع تر این جنایات شده است. همچنین گفته شد که اعضای این سازمان نمی‌توانند حکومتی را که به کشتار مردم خود اقدام می‌نماید، بپذیرد.

در این قسمت با وجود حمایت گسترده برخی دولت‌های عربی از عملکرد تروریسم در سوریه، تنها به دو دولت عربستان سعودی و قطر پرداخته می‌شود. اصلی‌ترین دولت عرب حامی عملکرد تروریسم بین‌المللی در سوریه، عربستان سعودی است. در ابتدای بحث در باب انتساب مسئولیت بین‌المللی به خاندان آل سعود در عربستان از باب ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی باید، به چند دلیل عمده اختلاف‌انگیز میان عربستان سعودی و سوریه اشاره نمود: ۱. سوریه به‌عنوان یکی از متحدان استراتژیک اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در منطقه خاورمیانه در زمان ریاست جمهوری حافظ اسد، اقدام به انعقاد معاهده همکاری و دوستی میان دو دولت نمود؛ درحالی‌که عربستان سعودی از زمان جنگ جهانی دوم زیر چتر امنیتی آمریکا و به‌عنوان یکی از بازوان آمریکا در منطقه محسوب می‌شد. ۲. از نظر منطقه‌ای، سوریه در تمام طول جنگ هشت‌ساله تحمیلی عراق علیه ایران، از جمهوری اسلامی ایران دفاع نمود. این درحالی بود که امام خمینی(ره) به‌عنوان رهبر ایران، به‌طور پیوسته از تمامی توده‌های اسلامی می‌خواست تا نظام پادشاهی عربستان سعودی را ساقط کنند و در مسائل داخلی و بین‌المللی این رژیم اختلال ایجاد نمایند. ۳. پس از حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، سوریه نقش محوری در پاکسازی لبنان از جنبش فتح در سازمان آزادیبخش فلسطین به‌عنوان تنها سازمان فلسطینی مورد حمایت عربستان سعودی بازی کرد.

سابقه حمایت عربستان سعودی از عملکرد تروریسم بین‌المللی نه به وقایع سوریه، بلکه بسیار به‌پیش از آن بازمی‌گردد. عربستان سعودی در جریان تأسیس گروه تروریستی القاعده و نیز طالبان در دهه ۹۰ میلادی نقش فعالی را ایفا کرد، چنان‌که /سامه بن‌لادن، /ایمن‌الظواهری و بسیاری از رهبران ارشد القاعده برای حمله به مواضع مورد نظر در سطح جهان از عربستان سعودی دستور می‌گرفتند. همچنین عربستان سعودی با راه‌اندازی مدارس و مکاتب در افغانستان، پاکستان، چین و... به‌انحای مختلف درصدد انحراف اذهان مسلمین به سمت تروریسم سلفی‌گری و عضوگیری برای عملیات انتحاری القاعده بوده است (Prados and Blanchard, 2004: 8). حمایت دولت عربستان از گروه‌های تروریستی ضدنظام سوریه به‌طور عمده به ترور رفیق‌الحریری در سال ۲۰۰۵ در لبنان و خروج ارتش سوریه از لبنان بازمی‌گردد؛ به‌گونه‌ای که بخشی از سلفی‌ها با حمایت عربستان سعودی توانستند با تشکیل جریان

المستقبل وارد دولت لبنان شده و کوشش‌های فراوانی را برای ناآرامی در لبنان و سوریه به کار بستند. بر اساس گزارش مجله تایمز از سال ۲۰۱۱ و در جریان بحران سوریه، تسلیحات عربستان سعودی از طریق فردی به نام /کاب سکر<sup>۲۱</sup> از اعضای جنبش المستقبل لبنان، برای تروریست‌ها در سوریه فراهم می‌شده است. این تسلیحات که در آغاز بحران سوریه تنها شامل سلاح‌های سبک مانند کلاشینکف، تک‌تیراندازها و نارنجک‌ها می‌شد، با تشدید بحران جای خود را به تسلیحات نیمه‌سنگین و پیشرفته چون موشک‌های ضدهوایی داده است. در ماه می ۲۰۱۲، چندین نفر از مفتی‌های عربستانی وابسته به خاندان حاکم، در شبکه اجتماعی فیس‌بوک درخواست کمک مالی از پیروان خود برای خرید کمک‌های تسلیحاتی برای تروریست‌ها در مقابله با نظام سوریه شدند؛ اگرچه مدتی بعد این درخواست‌ها توسط دولت عربستان سعودی مسدود شد، اما انفعال حکومت عربستان و عدم واکنش کافی نشان از رضایت ضمنی آل سعود از چنین حرکت‌های دارد. علاوه بر موارد مطروحه، مسئولیت بین‌الملل دولت عربستان در ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه از چند باب قابل طرح است. نخست اینکه منطقه شمال شرق سوریه تا شمال عربستان سعودی مملو از جمعیت سنی می‌باشند که با پیوندهای خویشاوندی و تجارت با یکدیگر همکاری می‌کنند. بسیاری از این قبایل در زمره مزدوران خاندان حاکم عربستان از دیرباز محسوب می‌شوند. حمایت از این قبایل در نزدیکی مرز اردن و سوریه با توجه به عدم کنترل مؤثر مرزهای جنوبی توسط دولت سوریه موجب شده است که این دولت‌ها بتوانند با استفاده از همین قبایل، کمک‌های تسلیحاتی خود را به تروریست‌ها برسانند. برای نمونه عربستان در اواخر سال ۲۰۱۳ اعلام کرد که سیستم ضدهوایی قابل‌حمل چینی و موشک‌های هدایت‌کننده ضدتانک کونکورس روسی را در اختیار مخالفان قرار می‌دهد. این تسلیحات از طریق زرادخانه‌های تسلیحات در ترکیه و اردن به دست تروریست‌ها می‌رسد.<sup>(۲۹)</sup> دوم اینکه اتباع عربستان سعودی به‌صورت فعال در میان تروریست‌های دستگیرشده یا کشته‌شده که دولت سوریه، فهرست آنها را منتشر ساخته است به‌چشم می‌خورند. سوم اینکه عربستان سعودی با تلاش در سازمان‌های منطقه‌ای همچون شورای همکاری خلیج فارس، اتحادیه عرب و حتی سازمان ملل برای اعمال تحریم‌های بین‌المللی از جمله بلوکه کردن دارایی‌های دولت سوریه، تعلیق عضویت دولت سوریه (که در ۶ فروردین ۱۳۹۲ خورشیدی، بر اساس تصمیم اجلاس سران اتحادیه عرب، کرسی سوریه به مخالفان داده شده است) نقش مهمی در تقویت جایگاه تروریست‌ها در سوریه داشته است. همچنین، با رد پیشنهاد دولت‌ها عربی مبنی بر نوعی گروکشی سیاسی، یعنی قطع همکاری دولت سوریه با

جمهوری اسلامی ایران در برابر حمایت آنها از نظام سوریه در مقابل فشارهای بین‌المللی در بحران سوریه، کمک‌های عربستان سعودی، قطر و اردن از ماه آوریل و مارس ۲۰۱۲ به بانک مرکزی سوریه، قطع گشته که موجب تشدید بحران در سوریه شد (Elliot and Barder, 2012: 2).

قطر به‌عنوان دومین دولت حامی تروریسم در سوریه به انحای مختلف در سالیان اخیر تلاش کرده است تا در صحنه روابط بین‌المللی، نقش محوری ایفا نماید. نخستین سابقه آشکار شده حمایت قطر از تروریسم به حمایت از گروه تروریستی جنگجویان اسلام‌گرای لیبیایی<sup>۲۲</sup> به سرکردگی عبدالحکیم بلحج<sup>۲۳</sup> در جریان جنگ لیبی در سال ۲۰۱۱ که از شاخه‌های القاعده در لیبی محسوب می‌شود، بازمی‌گردد (Blanchard, 2014: 4-7). دولت قطر به این نقش حمایتی خود از تروریسم در جریان بحران سوریه با ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی ادامه داد. در این میان، مسئولیت بین‌الملل دولت قطر در ارسال کمک‌های تسلیحاتی به گروه‌های تروریستی در سوریه، دوچندان است؛ چراکه این دولت برخلاف سایر دولت‌ها متحد عربی خود، با شناسایی ضمنی شورای انتقالی سوریه نه به‌عنوان نماینده مشروع مردم سوریه، بلکه به‌عنوان حکومت سوریه، سفارت سوریه را در ۱۷ فوریه ۲۰۱۳ در اختیار این مخالفان قرارداد که این امر به‌معنای آن تلقی شده است که کلیه دارایی‌ها، اموال و سرمایه‌های بانکی دولت سوریه در خاک قطر در اختیار مخالفان قرار دارد. همچنین این شناسایی بدان معنا بود که آنها می‌توانستند با دولت قطر به انعقاد معاهدات تجاری و حتی نظامی بپردازند که از این باب، انتقال تسلیحات را به داخل سوریه تسهیل می‌کند (Dickinson, 2013:16-20). از سوی دیگر، در کنار ارسال کمک‌های تسلیحاتی و مالی، باید به نقش پرنفوذ رسانه‌ای قطر، به‌ویژه از طریق شبکه الجزیره در جهت افزایش خشونت‌های مسلحانه در سوریه، اشاره داشت. حمایت دولت قطر از تروریسم با ارسال تسلیحات ادامه یافته است؛ به‌گونه‌ای که روزنامه //موندو گزارش داد که یکی از اصلی‌ترین دولت‌ها بیگانه ارسال‌کننده تسلیحات به گروه‌های تروریستی در مالی که موجب تشدید بحران در آن کشور و جنایات فجیع انسانی شده است، قطر می‌باشد.

در پایان باید گفت که حمایت برخی از دولت‌ها عربی از تروریست‌ها در سوریه، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم زمینه تقویت خشونت و بی‌ثباتی در سوریه و به‌تبع آن منطقه را افزایش می‌دهد؛ چنانکه گزارش گروه توسعه سازمان ملل در ۲۳ نوامبر ۲۰۱۳

22. The Libyan Islamic Fighting Group

23. Abdul Hakim Belhadj

کشتار وسیع در سوریه، نه تنها بر سطح توسعه این کشور، بلکه بر توسعه کشورهای عربی، به‌ویژه لبنان و اردن تأثیر گذاشته و زمینه فقر عمومی در این کشورها را فراهم کرده است که در مقابل ارسال کمک‌های مالی، غذایی، بهداشتی به گروه‌های تروریستی توسط برخی دولت‌ها عربی، زمینه پیوستن مردم فقیر عادی را به گروه‌های تروریستی و افزایش خشونت‌های منطقه‌ای راه، دامن زده است.

#### ۳-۴. تلاش‌ها برای بری‌ساختن مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها تسلیح‌کننده گروه‌های تروریستی در سوریه

به تدریج که اثبات شده تلاش‌ها به‌منظور براندازی نظام مردمی سوریه محکوم به شکست است، دولت‌ها تسلیح‌کننده گروه‌های تروریستی در سوریه، اقدامات خویش را در جهت معکوس، یعنی بری‌ساختن خویش از مسئولیت بین‌المللی در تسلیح گروه‌های تروریستی در سوریه به‌پیش می‌برند. در این راستا، تاکنون دودسته اقدامات مشخص؛ یعنی خودکفا جلوه‌دادن گروه‌های تروریستی عامل در سوریه و تلاش برای محکوم‌نمودن تدریجی اقدامات مسلحانه گروه‌های تروریستی در سوریه انجام‌شده است که در ادامه به اقدامات پرداخته می‌شود.

#### ۳-۴-۱. خودکفا جلوه‌دادن گروه‌های تروریستی عامل در سوریه

از جمله اقدامات دیگر اتحاد غربی-عربی برای بری‌ساختن مسئولیت بین‌المللی خود در ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه، خودکفا جلوه‌دادن آنها از نظر تسلیحاتی و به‌ویژه مالی است که از آن جمله می‌توان به ادعای صادرات منابع نفتی از مناطق «آزادشده» سوریه یا پرداخت زکات از سوی مسلمانان اهل سنت اشاره کرد. نمونه چنین تلاش‌هایی در مناطق نفت‌خیز تحت تصرف داعش در عراق نظیر موصل، الانبار و بیجی که علاوه بر نفت، دارای ذخایر اورانیوم، فسفات و سایر مواد معدنی ارزشمند است نیز، دیده شده است (Ledra, 2014: 307). اگرچه در عالم واقع، ممکن است که داعش، آن‌هم با حمایت مالی و تسلیحاتی حامیان عرب و غربی خود توانسته باشد با تسلط بر منابع نفتی و معدنی سوریه و عراق، بخشی از هزینه‌های خود را جبران کند، اما اتکای مطلق به آن، تلاشی شکست‌خورده از سوی حامیان آن به‌منظور انحراف اذهان عمومی از جنایت‌آفرینی خود در سوریه بوده است.

#### ۴-۳-۲. تلاش برای محکوم کردن تدریجی اقدامات مسلحانه گروه‌های تروریستی عامل در

##### سوریه

یکی دیگر از اقداماتی که به‌ویژه توسط دولت‌ها غربی انجام گرفته است، تلاش برای محکوم کردن تدریجی عملکرد تروریسم بین‌المللی در سوریه است. اگرچه اتحادیه اروپا در آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۱، تنها ارتکاب جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت را از ناحیه نظام سوریه محکوم می‌کرد، اما به‌مرور زمان ارتکاب این جنایات از سوی گروه‌های مخالف دولت در سوریه را نیز تأیید و آنها را محکوم ساخت.<sup>(۳۰)</sup> این محکوم کردن، گاه منجر به خلط منافع نیز شده است. برای نمونه در دسامبر ۲۰۱۴، وزارت خزانه‌داری ایالات متحده یک تاجر قطری به نام *عبدالرحمان النوامی*<sup>۲۴</sup> را متهم به ارسال مبلغ ۳۶۶ هزار یورو به *ابوخلد السوری*، نماینده القاعده در سوریه و فرمانده گروه تروریستی احرار الشام نموده و تحریم‌هایی علیه وی وضع کرد.

##### فرجام

ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی توسط دولت‌های بیگانه در بحران سوریه در مخالفت صریح با اصل عدم توسل به‌زور، اصل منع حمایت از تروریسم و اصل حق تعیین سرنوشت در حقوق بین‌الملل است. صرف ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه، قطع نظر از اینکه به هدف براندازی دولت بشار اسد یا غیر آن صورت پذیرفته باشد، اقدامی است که موجبات انتساب مسئولیت بین‌المللی را به دولت‌ها بیگانه حامی تروریسم در سوریه فراهم می‌آورد؛ چراکه بر طبق قواعد مسلم حقوق بین‌الملل، صرف حمایت از تروریسم به هر قصد و انگیزه‌ای ممنوع بوده و مستوجب انتساب مسئولیت بین‌المللی برای دولت‌ها حامی گروه‌های تروریستی را فراهم می‌آورد. اقدامات دولت‌های غربی و عربی در ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی، علاوه بر آنکه منافی قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت درباره منع حمایت از تروریسم است، به‌صورت خاص منافی تلاش‌های سازمان ملل متحد در حل و فصل بحران سوریه در قالب اقداماتی همچون طرح شش ماده‌ای کوفی عنان یا برگزاری اجلاس ژنو یک و نیز کوشش دولت‌های مستقل، به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران در ارائه طرح برون‌رفت از بحران سوریه است. در نتیجه، اقدامات خارج و مغایر سازمان ملل متحد دولت‌ها عربی و غربی ارسال‌کننده تسلیحات به گروه‌های تروریستی، درنهایت زمینه تضعیف و شکست نظام سازمان ملل متحد را در پی خواهد داشت. یکی از دلایل دیگر، انتساب مسئولیت بین‌المللی به دول تسلیح‌کننده تروریست‌ها در سوریه، مغایرت این اقدامات با حق تعیین سرنوشت مردم در

سوریه است. آنچه بیش از همه قصد دولت‌های ارسال‌کننده تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه را آشکار می‌سازد، عمل دولت سوریه به وعده‌هایش همچون تجدیدنظر در قانون اساسی، برگزاری انتخابات و بالاخص پیوستن به کنوانسیون منع تسلیحات شیمیایی پس از حملات شیمیایی منسوب به تروریست‌ها در ۲۱ آگوست ۲۰۱۳، در مقابل عدم ایفای تعهدات دولت‌ها غربی و عربی ارسال‌کننده تسلیحات به گروه‌های تروریستی می‌باشد. این در حالی است که پس از انجام تعهدات توسط دولت سوریه و رفع تردیدها، دیگر دلیلی برای ارسال کمک‌های تسلیحاتی به تروریست‌ها وجود ندارد، اما بازهم شاهد ارسال کمک‌های مالی و تسلیحاتی به این گروه‌ها هستیم که این امر بیش از آنکه بعد جبرانی داشته باشد، بعد تنبیهی دارد و در جهت سرنگونی نظام سوریه که از محورهای مقاومت در منطقه بر ضد آمریکا و رژیم صهیونیستی و ایادی آن چون عربستان سعودی انجام می‌پذیرد. امری که در حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی به شدت رد شده است.

پیشنهاد اصلی در جهت حل‌وفصل مسائل مربوط به بحران سوریه از جمله ارسال تسلیحات به گروه‌های تروریستی در سوریه، توجه به طرح پیشنهادی چهار ماده‌ای جمهوری اسلامی ایران برای حل‌وفصل بحران سوریه است که بر چهار محور توقف فوری درگیری‌ها، تشکیل دولت وحدت ملی، بازنگری و تعدیل قانون اساسی سوریه طبق توافق طوایف مختلف سوریه و اجرای انتخابات با نظارت ناظران بین‌المللی است.

### پی‌نوشت‌ها:

(1) [http://www.nytimes.com/2011/02/05/world/middleeast/05syria.html?\\_r=0](http://www.nytimes.com/2011/02/05/world/middleeast/05syria.html?_r=0)

(2) For Example See the Following International Correspondent Reportage Websites:

<http://edition.cnn.com/2012/03/01/world/meast/syria-crisis-beginnings/>

<http://www.aljazeera.com/indepth/features/2011/04/201141918352728300.html>

[www.bbc.com/news/world-middle-east-13855203](http://www.bbc.com/news/world-middle-east-13855203)

(3) <http://www.todayszaman.com/news-246828-turkey-deplores-inhumane-syrian-crackdown-reprimands-assad-family.html>

(۴) برای نمونه به گزارش سال ۲۰۰۷ آزادی بین‌الملل مذهبی وزارت امور خارجه آمریکا در مورد سوریه مراجعه نمایید. قابل

مشاهده در: <http://democrats.foreignaffairs.house.gov/110/37767.pdf>

(۵) برای نمونه ماده ۵۲۰ قانون کیفری سوریه مصوب ۱۹۴۹ میلادی مقرر می‌دارد: داشتن روابط هم جنسی با یکدیگر منجر به حداقل سه سال زندان خواهد شد.

(۶) اگرچه مداخله مبارزان خارجی به نفع دولت سوریه در منطقه الصغیر توسط شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد منع شده است، اما هیچ صحبتی از تروریست‌های طرف مقابل که به کشتار مردم بی‌گناه می‌پردازند، برده نشده است.

(۷) سوریه بیشتر تجهیزات نظامی خود را از روسیه و بلاروس تهیه می‌کند. بر اساس گزارش اخیر مؤسسه تحقیقات بین‌المللی صلح استکهلم، سوریه طی سال‌های ۲۰۰۷ لغایت ۲۰۱۱ حدود ۷۸ درصد تجهیزات نظامی وارداتی خود را از روسیه، ۱۷ درصد از بلاروس و ۵ درصد از ایران تأمین کرده است (علیپور ناندل، ۱۳۹۱: ۷۹).

(۸) در منظومه گفتمانی مقام معظم رهبری نیز تحولات سوریه شامل چند کلید واژه می‌باشد: طراحی آمریکا برای این تنش‌ها، مشارکت کشورهای خارجی و منطقه در این طراحی، ضربه به مقاومت، هدف اصلی و انتقام‌گیری شکست‌های اخیر در منطقه از جمله مصر و تونس از سوریه (بشیر و کرم‌فر، ۱۳۹۳: ۱۰۷).

(9) Human Rights Council Report of the Independent International Commission of Inquiry on the Syrian Arab Republic, para 3

(10) <http://fa.alalam.ir/news/1546052:1> (last visit 16/11/2014)

(۱۱) برای اطلاع بیشتر در مورد این دو نامه رک به: <http://www.un.org/depts/dhl/deplib/docs/ITP/S67.pdf>

(۱۲) عدم کنترل تعمدی کشورهای عربی و ترکیه بر مرزهای مشترک خود با سوریه در جریان بحران سوریه تا آنجا پیش رفته است که برخی این مرزهای مشترک را (بزرگراه جهادگرایان) سلفی خطاب نموده‌اند (Belcher, 2014:32).

(13) <http://www.quilliamfoundation.org/wp/wp-content/uploads/publications/free/jabhat-al-nusra-a-strategic-briefing.pdf>

(14) <http://www.aljazeera.com/news/middleeast/2012/12/201212221532021654.html>

(15) [http://www.nytimes.com/2012/05/31/world/middleeast/another-mass-execution-is-discovered-in-syria.html?\\_r=2&smid=tw-nytimes&seid=auto&](http://www.nytimes.com/2012/05/31/world/middleeast/another-mass-execution-is-discovered-in-syria.html?_r=2&smid=tw-nytimes&seid=auto&)

(16) For more Information: <http://www.reuters.com/article/2013/10/17/us-syria-crisis-turkey-qaeda-idUSBRE99G06C20131017>

(۱۷) این موضع توسط متحدین نظام سوریه یعنی جمهوری اسلامی ایران و روسیه نیز تکرار شده است از جمله وزیر خارجه روسیه اعلام نمود که ابلاغ یک‌طرفه حملات هوایی برای قانونی فرض کردن آنها کافی نیست و رضایت دولت سوریه به صورت صریح در این زمینه اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

(18) [http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=48494\\_p2](http://www.un.org/apps/news/story.asp?NewsID=48494_p2)(last visit 1/1/2015)

(۱۹) دفاتر ائتلاف ملی نیروهای انقلابی و مخالف سوری در شهرهای قاهره مصر و استانبول ترکیه قرار دارد. این ائتلاف هم‌اکنون متشکل از ۶۳ عضو بوده و رئیس آن جورج صبرا می‌باشد (Ibpus.com, 2013: 97).

(20) <http://www.nytimes.com/2013/03/25/world/middleeast/arms-airlift-to-syrian-rebels-expands-with-cia-aid.html?pagewanted=all>

(21) [http://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-allies-agree-on-standards-for-which-opposition-groups-in-syria-will-receive-aid/2014/02/20/7b5b8b02-9a53-11e3-b931-0204122c514b\\_story.html](http://www.washingtonpost.com/world/national-security/us-allies-agree-on-standards-for-which-opposition-groups-in-syria-will-receive-aid/2014/02/20/7b5b8b02-9a53-11e3-b931-0204122c514b_story.html)

(22) <http://www.infowars.com/american-terrorist-in-syria-was-working-for-cia-says-father/>

- (23) <http://abcnews.go.com/Politics/polls-americans-attack-syria-support-limited-action/story? Id = 20118605>
- (24) Council Regulation (EU) No 325/2013 on 10 April 2013 amending Regulation (EU) No 36/2012 concerning restrictive measures in view of the situation in Syria for more information see:  
[http://www.sipri.org/databases/embargo/es/eu\\_arms\\_embargo/syria\\_LAS/EU%20reg%20325.pdf](http://www.sipri.org/databases/embargo/es/eu_arms_embargo/syria_LAS/EU%20reg%20325.pdf)
- (25) <http://www.bloomberg.com/news/2013-06-22/u-s-pledges-support-for-syria-rebels-without-specifying-details.html>
- (26) Resolution (SC/11019) adopted by the Security Council's Al-Qaida Sanctions Committee on 30 May 2013 for more information about these sanctions see the following link:  
<http://www.un.org/News/Press/docs//2013/sc11019.doc.htm>
- (27) The Europol TE-SAT 2012 on European Union Terrorism Situation and Trend Report, pp 8-16 also available on the following website:  
<https://www.europol.europa.eu/sites/default/files/publications/europoltsat.pdf>
- (28) <http://www.reuters.com/article/2013/10/10/us-syria-crisis-arabs-idUSBRE9990F420131010>
- (29) <http://online.wsj.com/news/articles/SB10001424052702304703804579382974196840680>
- (30) See for Example, EU Council Decision 2011/782/CFSP of 1 December 2011; EU Council Regulation No 36/2012 of 18 January 2012; EU Council Regulation No 509/2012 of 15 June 2012; Remarks by EU High Representative Catherine Ashton on the situation in Syria, 13 March 2013; The European Union and Syria-Factsheet, 22 April 2013; Statement by the Spokesperson of EU High Representative Catherine Ashton on the recent massacre in Bayda in Syria, 4 May 2013

## منابع فارسی

- ابراهیم‌گل، علیرضا (۱۳۹۲)، *مسئولیت بین‌المللی دولت: متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل*، انتشارات مؤسسه شهر دانش، ویرایش اول، چاپ چهارم.
- بشیر، حسن و علی‌اصغر کرم‌فر (۱۳۹۳)، «بازنمایی رسانه‌ای بحران سوریه در وبسایت‌های بی. بی. سی عربی، العربیه و العالم»، *فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- توکلی طیبسی، علی، فرنگیس منصورى محمدتقی رضایی و توکل (۱۳۹۲)، «مسئولیت بین‌المللی دولت‌های ثالث ناشی از نقض حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه داخلی (با تحلیلی اجمالی از بحران سوریه)»، *مجله حقوقی بین‌المللی*، شماره ۴۹.
- پورحسن، ناصر (۱۳۹۱)، «آثار بحران سوریه بر مسئله فلسطین»، *فصلنامه مطالعات فلسطین*، شماره ۱۸.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۹۱)، «بحران سوریه به کدام سمت می‌رود»، *ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام*، شماره ۶۱۲.

- پیشوایی، مهدی (۱۳۹۱)، «عوامل و ابعاد فرمانطقه‌ای بحران سوریه»، *ماهنامه درس‌هایی از مکتب اسلام*، شماره ۶۱۶.
- شافع، میرشهبیز (۱۳۹۲)، «نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص کوزوو: از اعلامیه استقلال تا حق خودمختاری»، چاپ‌شده در مجموعه مقالات کتاب جامعه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل در قرن ۲۱، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های شهر دانش. چاپ اول.
- شریفیان، جمشید، کبیری، ابصلت و علیرضا طحانمنش، «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، *فصلنامه امنیت پژوهی*، سال یازدهم، شماره ۳۸.
- شریفی، محسن (۱۳۸۲)، «تحول مفهوم دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل با تأکید بر تحولات بعد از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱»، *فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۶۵.
- ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۶)، *حقوق بین‌الملل عمومی*، انتشارات گنج دانش.
- علی‌پور ناندل، محمدرضا (۱۳۹۱)، «سیاست‌های حمایتی بلاروس از دمشق به‌رغم وجود بحران داخلی در سوریه»، *ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها*، شماره ۲۶۶.
- فیوضی، رضا (۱۳۵۷)، *مسئولیت بین‌المللی و نظریه حمایت سیاسی*، انتشارات مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، جلد اول.
- قاسمی، علی، چهاربخش و بارین ویکتور (۱۳۹۱)، «ارزیابی حق دفاع مشروع جمعی در حقوق بین‌الملل معاصر»، *فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی*، شماره ۵۶.
- کرم‌زاده، سیامک (۱۳۸۲)، «تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، شماره ۲۸.
- کیانی، مهرداد (۱۳۹۱)، «بحران سوریه ویژگی‌ها و تفاوت‌ها»، *ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها*، شماره ۲۶۹.
- محبی‌نیا، جهانبخش و منصور صالحی (۱۳۹۲)، «جنگ سرد نوین در روابط روسیه و آمریکا»، *پژوهشنامه روابط بین‌الملل*، دوره ۶، شماره ۲۴.
- موسوی، حسین (۱۳۸۹)، «بیم و امیدها در بحران سوریه»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، شماره ۶۳.
- موسوی، سید فضل‌الله و مهدی حاتم‌ی (۱۳۸۵)، «دفاع مشروع پیش‌دستانه در حقوق بین‌الملل»، *فصلنامه حقوق دانشگاه تهران*، شماره ۷۲.
- یزدان‌پناه درو، کیومرث و محمدمهدی نامداری (۱۳۹۲)، «بحران سوریه؛ با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور»، *فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی*، سال دوم، شماره ۳.

## منابع لاتین

- Amnesty International, Rule of Fear: ISIS Abuses in Detention in northern Syria, 19 December 2013.
- Bakker, Edwin, Christophe Paulussen and Eva Entenmann, (December 2013) "Dealing with European Foreign Fighters in Syria: Governance Challenges & Legal Implications" , *International Centre for Counter-Terrorism, the Hague*.
- Baker, Peter; Jonathan Weisman (August 31, 2013), "Obama Seeks Approval by Congress for Strike in Syria", *The New York Times*.
- Barnes-Dacey, Julien and Daniel Levy (July 2013), *THE REGIONAL STRUGGLE FOR SYRIA*, European Council on Foreign Relations Publication.
- Belcher, Jason S (2014), *Aftermath: Rebuilding Global Security After a Century of Warfare*, Post Hill Press.
- Blanchard, Christopher M, Humud, Carla E. and Nikitin, Mary Beth D. (2014) *Armed Conflict in Syria: Overview and U.S. Response, Congressional Research Service*: 9-12.
- Blanchard, Christopher M. (2014) *Qatar: Background and U.S. Relations, Congressional Research Service*,: 4-7.
- Borghard, Erica D. (August 2013), "Arms and Influence in Syria The Pitfalls of Greater U.S. Involvement" , Policy Analysis, *The Cato Institute*, No.734.
- Eddie Boxx, Eddie and Jeffrey White, (November 20, 2012) "Responding to Assad's Use of Airpower in Syria", *The Washington Institute for Near East Policy*.
- Case Concerning East Timor (Portugal v Australia) Merits, Judgment, ICJ Reports 1995 4 at 102.
- Cassese, Antonio, (1979), *Un Law, Fundamental Rights: Two Topics in International Law*, Martinus Nijhoff Publishers.
- Dinçer, Osman Bahadır et al, (2013) *Turkey and Syrian Refugees: The Limits of Hospitality*, International Strategic Research Organization (USAK).
- Dickinson, Elizabeth, (2013) Playing with Fire: *Why Private Gulf Financing for Syria's Extremist Rebels Risks Igniting Sectarian Conflict at Home*, Brookings publishers: 16-20.
- Ehrenfeld, Rachel, (2011) *Funding Evil: How Terrorism Is Financed and How to Stop It*, Multi Educator, Incorporated.
- Elliott, Kimberly Ann and Owen Barder, (2012) *Preventing Odious Obligations: A New Tool to Pressure Syria's Bashar Assad*, Centre for Global Development: 2.

- Entous, Adam, (June 2013) "Behind Obama's About-Face on Syria", *Wall Street Journal*. Vol 139.
- EU Council Decision 2011/782/CFSP of 1 December 2011; EU Council Regulation No 36/2012 of 18 January 2012; EU Council Regulation No 509/2012 of 15 June 2012; Remarks by EU High.
- Florquin, Nicolas (2014), "Arms Prices and Conflict Onset: Insights from Lebanon and Syria", *European Journal on Criminal Policy and Research*. Vol 20: 323-341
- Great Britain: Foreign and Commonwealth Office (2013), "Human Rights and Democracy: The 2012 Foreign & Commonwealth Office Report", The Stationery Office.
- Glint, Michael (2014), *Can a War with Isis Be Won? -ISIL/Islamic State/Daesh*, Conceptual Kings.
- Hersh, Seymour (19 December 2013), "Whose Sarin" *London Review of Books*, Vol. 35(24).
- Huff, Mickey and Andy Lee Roth with Project Censored, *Seven Stories Press*.
- Human Rights Council (2015) *Report of the independent international commission of inquiry on the Syrian Arab Republic*, Summary (A/HRC/24/46).
- Ibpus.com (2013), *Syria Country Study Guide Volume 1 Strategic Information and Developments*, Int'l Business Publications.
- International Crisis Group (27 June 2013), *Syria's Metastasizing Conflicts*, Brussels: 3-5.
- Israeli, Raphael (2013), *From Arab Spring to Islamic Winter*, Transaction Publishers.
- Jenkins, Brian Michael (November 2013), *The Role of Terrorism and Terror in Syria's Civil War*, RAND Office of External Affairs.
- Ledra, Joshua (2014), *The Truth About the Crisis in Iraq*, AuthorHouse.
- Mastors, Elena (2014), *Breaking Al-Qaeda: Psychological and Operational Techniques*, Second Edition, CRC Press.
- Moniquet, Claude (June 2013), "The Involvement of Salafism/wahhabism in The Support and Supply of Arms to Rebel Groups Aaround The World", *Directorate-General for External Policies of The European UNION*, Belgium.
- Noonan, Michael P. (January 2010), *Foreign Fighters, Sovereignty, and Counter Terrorism: Selected Essays*, Program on National Security at the Foreign Policy Resrarch Institute.
- Prados, Alfred B. and Blanchard, Christopher M. (2007), *Saudi Arabia: Terrorist Financing Issues*, Congressional Research Service: pp 6-20.
- Rabasa, Angel and Benard, Cheryl, (2014), *Eurojihad, Patterns of Islamist Radicalization and Terrorism in Europe*, Cambridge University Press.
- Sackelmore, John, (2014), *The World Against Isis*, Conceptual Kings.
- Sekulow, Jay, (2014) *Rise of ISIS: A Threat We Can't Ignore*, Simon and Schuster.

Human Development Report (2013), *The Rise of the South: Human Progress in a Diverse World*, The United Nations Human Development Team.

Ungor, Ugur, (2013), *Mass Violence in Syria: A Preliminary Analysis*, British Society for Middle Eastern Studies, New Middle Eastern Studies.

U.S. Congress and Wikimedia Foundation (2014), *The ISIS Threat: The Rise of the Islamic State and their Dangerous Potential*, Providence Research.

Wheatley, Steven, (2005), *Democracy, Minorities and International Law*, Cambridge University Press.

Young, William, Stebbins, David; Frederick, Bryan and Al-Shahery, Omar, (2014), *Spillover from the Conflict in Syria: An Assessment of the Factors That Aid and Impede the Spread of Violence*, Rand Corporation, 2014.